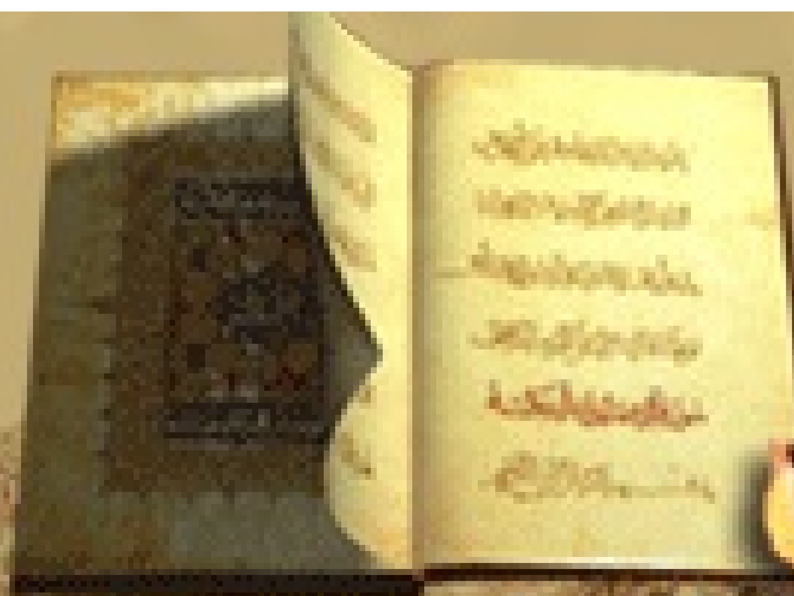


الشرح

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

آشنایی . اعراب آیات . آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ٦ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۹۴. سوره الشرح

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (۱)

وَ وَضَعْنا عَنْکَ وِزْرَکَ (۲)

الَّذِی أَنْقَضَ ظَهْرَکَ (۳)

وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (۶)

فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (۷)

وَ إِلی رَبِّکَ فَارْغَبْ (۸)

آشنایی با سوره

۹۴- انشراح [گشاده شدن، وسیع شدن]

شرح صدر و فراخی سینه، کنایه از ظرفیت زیاد، برای دریافت حقائق و تحمل سختیهای راه دعوت است. در آیه اول خداوند، عطای چنین شرح صدری را به پیامبر بیان می کند و او را دعوت به کار مستمر و پیگیر می نماید و نوید می دهد که: با هر سختی، آسانی است. (نانبرده رنج، گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد) این سوره بعد از «ضحی نازل شده و مکی است (و بعضی گفته اند مدنی است). بعضی این سوره را با سوره قبلی اش، مجموعا یکسوره حساب کرده اند.

سوره «الم نشرح دارای ۸ آیه می باشد. نام دیگر این سوره، «شرح است.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{أَلَمْ} همزه (أ) حرف استفهام / حرف جزم {نَشْرَحْ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (نحن) در تقدیر {لَکَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {صَدْرَکَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{وَوَضَعْنا} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر سکون / (نا) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {عَنْکَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {وِزْرَکَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{الَّذِی} نعت تابع {أَنْقَضَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {ظَهْرَکَ} مفعولٌ به، منصوب یا در

محل نصب / (ك) ضمير متصل در محل جر، مضاف اليه

{وَرَفَعْنا} (و) حرف عطف / فعل ماضـی، مبنی بر سـكون / (نا) ضمير متصل در محل رفع و فاعل {لَکَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {ذِكْرَكَ} مفعولٌ به، منصوب يا در محل نصب / (ك) ضمير متصل در محل جر، مضاف اليه

{فَإِنَّ} (ف) حرف استيناف / حرف مشبه بالفعل يا حرف نفی ناسخ {مَعَ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {الْعُسْرِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر / خبر إنَّ محذوف {يُسْراً} اسم إنّ، منصوب يا در محل نصب

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل يا حرف نفی ناسخ {مَعَ} ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {الْعُسْرِ} مضاف اليه، مجرور يا در محل جر / خبر إنَّ محذوف {يُسْراً} اسم إنّ، منصوب يا در محل نصب

{فَإِذا} (ف) حرف عطف / ظرف يا مفعولٌ فيه، منصوب يا در محل نصب {فَرَغْتَ} فعل ماضـی، مبنی بر سـكون / (ت) ضمير متصل، در محل رفع و فاعل {فَانْصَبْ} (ف) رابط جواب برای شـرط / فعل امر مبنی بر سـكون / فاعل، ضـمير مستتر (أنت) در تقدير

{وَإِلى} (و) حرف عطف / حرف جر {رَبِّكَ} اسم مجرور يـا در محـل جر / (ك) ضــمير متصـل در محـل جر، مضـاف اليه {فَارْغَبْ} (ف) رابط جواب برای شرط / فعل امر مبنی بر سكون / فاعل، ضمير مستتر (أنت) در تقدير

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Alam nashrah laka sadraka.۱

WawadaAAna AAanka wizraka.۲

Allathee anqada thahraka.۳

WarafaAAna laka thikraka.۴

Fa-inna maAAa alAAusri yusran.۵

Inna maAAa alAAusri yusran.۶

Fa-itha faraghta fainsab.۷

Wa-ila rabbika fairghab.۸

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آیا برای تو سینه ات را نگشاده ایم؟ (۱)

و بار گرانت را از [دوش تو برنداشتیم؟ (۲)

[باری که [گویی پشت تو را شکست. (۳)

و نامت را برای تو بلند گردانیدیم. (۴)

پس [بدان که با دشواری، آسانی است. (۵)

آری، با دشواری، آسانی است. (۶)

پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش؛ (۷)

و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور. (۸)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم،

«۲» و بار سنگین تو را از تو برنداشتیم؟!

«۳» همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد!

«۴» و آوازه تو را بلند ساختیم!

«۵» به یقین با [هر] سختی آسانی است!

«۶» [آری] مسلّماً با [هر] سختی آسانی است،

«۷» پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز،

«۸» و به سوی پروردگارت توجّه کن!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا سینه ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ (۱)

و بار گرانت را فرو ننهادیم؟ (۲)

همان بار گرانی که پشتت را شکست. (۳)

و آوازه ات را برایت بلند نکردیم؟ (۴)

پس بی تردید با دشواری آسانی است. (۵)

[آری] بی تردید با دشواری آسانی است. (۶)

پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت می یابی، به عبادت و دعا بکوش (۷)

و مشتاقانه به سوی پروردگارت رو آور. (۸)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول گرامی، آیا ما تو را به نعمت حکمت و رسالت شرح صدر و بلندی همت عطا نکردیم؟ که توجه به ما سوی الله نکردی (۱)

و بار سنگین گناه را به اعطای مقام عصمت از تو دور داشتیم (۲)

در صورتی که آن بار سنگین ممکن بود پشت تو را گران دارد مفسرین گفتند یا مراد گناه امت است یا گناهی که مشرکان بر پیغمبر می شمردند که مردم را به خدای یگانه چرا میخواند (۳)

و نام نکوی تو را به رغم دشمنان در عالم بلند کردیم (۴)

پس بدان که به لطف خدا با هر سختی البته آسانی هست (۵)

و در دو عالم با هر سختی البته آسانی هست و هر رنجی را راحتی باشد (۶)

پس تو چون از نماز و طاعت پرداختی برای دعا یا چون از تبلیغ نبوت پرداختی برنصب خلافت علی (ع) همت مصروف دار (۷)

و به سوی خدای خود و قطع توجه از خلق همیشه متوجه و مشتاق باش و از کس میندیش (۸)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

(ای پیامبر!) آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ (۱)

و بار سنگین ات را از (دوش) تو برنداشتیم؟ (۲)

آن (بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود. (۳)

و نام تو را بلند (آوازه) گردانیدیم. (۴)

پس (بدان که) با هر سختی آسانی است. (۵)

آری، با هر دشواری آسانی است. (۶)

پس هر وقت (از کاری) فراغت یافتی (برای کار جدید) خود را به تعب انداز. (۷)

و با رغبت و اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور. (۸)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آیا ما سینه تو را برایت گشاده نکردیم؟ (۱)

و بار گرانت را از تو فرو ننهادیم؟ (۲)

آن [بار گرانی] که پشتت را بشکسته بود. (۳)

و نام و آوازه ات را بلند نکردیم؟ (۴)

پس، همانا با دشواری آسانی است. (۵)

همانا با دشواری آسانی است. (۶)

پس چون [از کار] فارغ شدی به عبادت کوش و رنج آن را بر خود هموار کن. (۷)

و به سوی پروردگارت روی آر - آهنگ او کن و هر چه خواهی از او بخواه -. (۸)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آیا سینه ات را برایت نگشودیم؟ (۱)

و بار گرانت را از پشت برنداشتیم؟ (۲)

باری که بر پشت تو سنگینی می کرد؟ (۳)

آیا تو را بلند آوازه نساختیم؟ (۴)

پس، از پی دشواری آسانی است. (۵)

هر- آینه از پی دشواری آسانی است. (۶)

چون از کار فارغ شوی ، به - عبادت کوش. (۷)

و به پروردگارت مشتاق شو. (۸)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

آیا دلت را برایت گشاده نداشتیم؟ (۱)

و بارت را [از دوشت] برنگرفتیم؟ (۲)

همان که می خواست پشت را بشکند (۳)

و آوازه ات را بلند گرداندیم (۴)

بی گمان در جنب دشواری، آسانی است (۵)

آری در جنب دشواری آسانی است (۶)

پس چون فراغت یافتی، [در دعا] بکوش (۷)

و به سوی پروردگارت بگرای (۸)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

آیا فراخ نگردانیدیم (گشاده نداشتیم) برایت سینه ات را (۱)

و نهادیم از تو بارت را (۲)

آن را که بشکست پشتت را (۳)

و بلند ساختیم برایت نامت (یا سخنت) را (۴)

همانا با سختی است گشایشی (۵)

همانا با سختی است گشایشی (۶)

پس هر گاه که فراغت یافتی بایست (بکوش) (۷)

و بسوی پروردگار خویش بگرای (۸)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

Did We not open your breast for you ۱

and relieve you of your burden ۲

?which [almost] broke your back ۳

?Did We not exalt your name ۴

.Indeed ease accompanies hardship ۵

۶ Indeed ease accompanies hardship.

۷ So when you are done, appoint,

۸ and turn eagerly to your Lord.

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) Have We not expanded for you your breast,

(۲) And taken off from you your burden,

(۳) Which pressed heavily upon your back,

(۴) And exalted for you your esteem?

(۵) Surely with difficulty is ease.

(۶) With difficulty is surely ease.

(۷) So when you are free, nominate.

(۸) And make your Lord your exclusive object.

ترجمه انگلیسی ایروینگ

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

(۱) Did We not relieve your breast for you,

(۲) and remove your burden from you

(۳) that pressed down upon your back?

(۴) We have even raised up renown of you!

(۵) Yet hardship will bring ease.

(۶) Indeed, hardship must bring ease!

(۷) So whenever you have finished, still toil on!

(۸) Towards your Lord direct your longing!

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(۱) Did we not expand thy breast for thee

(۲) and lift from thee thy burden,

(۳) the burden that weighed down thy back?

(۴) Did we not exalt thy fame?

(۵) So truly with hardship comes ease,

(۶) truly with hardship comes ease.

(۷) So when thou art empty, labour,

(۸) and let thy Lord be thy Quest.

ترجمه انگلیسی پیکتال

In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful.

(۱) Have We not caused thy bosom to dilate,

(۲) And eased thee of the burden

(۳) Which weighed down thy back;

(۴) And exalted thy fame?

(۵) But lo! with hardship goeth ease,

(۶) Lo! with hardship goeth ease;

(So when thou art relieved, still toil (۷

(And strive to please thy Lord. (۸

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(Have We not expanded thee thy breast? (۱

(And removed from thee thy burden (۲

(The which did gall thy back? (۳

(And raised high the esteem (in which) thou (art held)? (۴

(So verily with every difficulty there is relief: (۵

(Verily with every difficulty there is relief. (۶

(Therefore when thou art free (from thine immediate task) still labor hard (۷

(And to thy Lord turn (all) thy attention. (۸

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux

?N'avons-Nous pas ouvert pour toi ta poitrine .۱

Et ne t'avons-Nous pas déchargé du fardeau .۲

?qui accablait ton dos .۳

?Et exalté pour toi ta renommée .۴

!A cté de la difficulté est, certes, une facilité .۵

!A cté de la difficulté, est certes, une facilité .۶

۷. Quand tu te libères, donc, lève-toi,

۸. et à ton Seigneur aspire.

ترجمه اسپانیایی

۱. ¿No te hemos infundido ánimo,

۲. Liberado de la carga

۳. Que agobiaba tu espalda

۴. Y alzado tu reputación?

۵. ¡La adversidad y la felicidad van a una!

۶. ¡La adversidad y la felicidad van a una!

۷. Cuando estés libre, ¡mantente diligente!

۸. Y a tu Señor ¡deséale ardientemente!

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnädigen, des Barmherzigen.

۱. Haben Wir dir nicht deine Brust erschlossen,

۲. Und dir abgenommen deine Last,

۳. Die dir den Rücken niederwuchtete,

۴. Und haben Wir (nicht) deinen Ruf erhöht?

۵. Also, wahrlich, kommt mit der Drangsal die Erleichterung,

۶. Wahrlich, mit der Drangsal kommt die Erleichterung.

۷. Wenn du nun entlastet bist, mühe dich eifrig.

۸. .Und deinem Herrn widme dich ganz

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. alla fede] Non ti abbiamo forse aperto il petto] ?

۲. E non ti abbiamo sbarazzato del fardello

۳. ?che gravava sulle tue spalle

۴. [innalzato la tua fama [Non abbiamo ?

۵. In verità per ogni difficoltà c'è una facilità .

۶. Sì, per ogni difficoltà c'è una facilità .

۷. Appena ne hai il tempo , mettiti dunque ritto ,

۸. .e aspira al tuo Signore

ترجمه روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

۱. ?Разве Мы не раскрыли тебе твою грудь

۲. ,И не сняли с тебя твою ношу

۳. ?которая тяготила твою спину

۴. ?И возвысили твои поминания

۵. Ведь, поистине, с тягостью легкость, –

۶. !поистине, с тягостью легкость

۷. И когда ты покончишь, то труждайся

!и к твоему Господу устремляйся .۸

ترجمه ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

?Senin gşünü açp geni letmedik mi -۱

.Ve senin yükünü kaldrp attk -۲

.ylesine yük ki çkertmi ti belini ض -۳

.Ve adn yücelttik -۴

.Artk üphe yok ki her güçlükle berâber bir de kolaylk var -۵

.üphe yok ki her güçlükle berâber bir de kolaylk var ق -۶

.Artk sen de ibâdeti bitirince yorul -۷

.Ve ancak Rabbinden iste, ona doŕul -۸

ترجمه آذربایجانی

!Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə

Ya Peyğəmbər!) Məgər Biz (haqqı bilmək, elm və hikmət dəryası etmək üçün) sənin) .۱ köksünü (qəlbini) açıb genişlətmədikmi?! (Allahın öz lütfü ilə köksünü açıb genişlətdiyi kimsənin qəlbinə Şeytan vəsvəsə sala bilməz. O, qüdsiyyət kəsb edər, vəhy qəbul (!etməyə layiq olar

Ağır yükünü səndən götürmədikmi?! (Sənin peyğəmbərlik yükünü . ۲ (!?yüngülləşdirmədikmi

.Elə bir yük ki) sənin belini bükürdü) .۳

Sənin ad-sanını (şan-şöhrətini) ucaltmadıqmı?! (Yerdə, göydə səndən söhbət gedər; .۴ (!xütbələrdə adın çəkilər

۵. Şübhəsiz ki, hər çətinlikdən sonra bir asanlıq gələr! (Asanlıq yalnız çətinliklə hasil olar!)

۶. Həqiqətən, hər çətinlikdən sonra bir asanlıq gələr! (Buna görə də çətinliklərə səbirlə dözmək lazımdır!)

۷. Ya Peyğəmbər!) Elə ki (risaləti təbliğ etməkdən və ya dünya işlərindən) azad oldun,) qalx (dua et)! (Axirət üçün çalış-vuruş!)

۸. Və ancaq Rəbbinə yalvar! (Uzünü Allaha çevirib yalnız Onun köməyinə bel bağla, Ona tərəf yönəl!)

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام ل□ کر جو ب□ا م□ربان ن□ایت رحم والا □□

۱. (ا□ محمد) کیا □م ن□ تم□ارا سین□ ک□ول ن□ی□ دیا؟ (بیشک ک□ول دیا)

۲. اور تم پر س□ بوج□ ب□ی اتار دیا

۳. جس ن□ تم□اری پی□□ تو□ رک□ی ت□ی

۴. اور تم□ارا ذکر بلند کیا

۵. □ا□ □ا□ مشکل ک□ سات□ آسانی ب□ی □□

۶. (اور) ب□ شک مشکل ک□ سات□ آسانی □□

۷. تو جب فارغ □وا کرو تو (عبادت می□) محنت کیا کرو

۸. اور اپن□ پروردگار کی طرف متوج□ □و جایا کرو

ترجمه پشتو

۱. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. آیا مون□ ستا سینه نه ک□ه فراخه؟

۲. او ستا دروند بار مو له تا کوز نه ک□؟

۳. هغه بار چ□ ستا مَلا ی□ ماتوله (د ملا د ماتیدو آواز ی□ راغ□)

۴. او ستا ذکر مو پورته نه ک□؟ (ته مو مشهور ک□□)

۵. نو ب□شکه چ□ هر□ سخت□ سره آسانتیا شته

۶. ب□شکه (دا منل□ شو□ ده چ□) هر□ سخت□ سره آسانتیا شته

۷. نو کله چ□ فارغ ش□ (له مهمو کارونو) نو (په یو بل مهم کار) □ان ست□□ ک□ه (عبادت)

۸. او خپل پرورد□ار ته پام (رغبت) وک□ه.

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed!) maqey me ji bona te ra singê te (ku tu îdî zanîna retkokî bi zanî) venekirîye?

۲. Meqey li ser te barê te hil nedaye?

۳. Ku ewî (barî ji giranîyê) pişta te dişkênand.

۴. Maqey me ji bona te ra nav ü dengê te bilind nekirîye?

۵. Îdî bi rastî bi her tengayîyê ra firetîyek heye.

۶. Bi rastî jî bi her tengayîyê ra firetîyek heye.

۷. Îdî gava (Muhemmed!) tu ji karê xwe valabûyî (rabe) bi karekî dinê ra xebatê bike (nehewe).

۸. Îdî li bal Xuda yê xwe da bizvire (perestî bike).

ترجمه اندونزی

Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang.

(۱) Demi (buah) Tin dan (buah) Zaitun,

(۲) Dan demi bukit Sinai,

(۳) Dan demi kota (Mekkah) ini yang aman.

Sesungguhnya Kami telah menciptakan manusia dalam bentuk yang sebaik- baiknya. ((۴

(Kemudian Kami kembalikan dia ke tempat yang serendah- rendahnya (neraka),(۵

Kecuali orang- orang yang beriman dan mengerjakan amal saleh; maka bagi mereka (pahala yang tiada putus- putusnya.(۶

Maka apakah yang menyebabkan kamu mendustakan (hari) pembalasan sesudah ((adanya keterangan- keterangan) itu.(۷

(Bukankah Allah Hakim yang seadil- adilnya.(۸

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

Bukankah Kami telah melapangkan bagimu: dadamu (wahai Muhammad serta (mengisinya dengan iman dan hidayah petunjuk) ? (۱

(Dan Kami telah meringankan daripadamu: bebanmu (menyiarkan Islam) - (۲

Yang memberati tanggunganmu, (dengan memberikan berbagai kemudahan dalam (melaksanakannya)? (۳

Dan Kami telah meninggikan bagimu: sebutan namamu (dengan mengurniakan (pangkat Nabi dan berbagai kemuliaan)? (۴

Oleh itu, maka (tetapkanlah kepercayaanmu) bahawa sesungguhnya tiap-tiap (kesukaran disertai kemudahan, (۵

Sekali lagi ditegaskan): bahawa sesungguhnya tiap-tiap kesukaran disertai) (kemudahan. (۶

Kemudian apabila engkau telah selesai (daripada sesuatu amal soleh), maka (bersungguh-sungguhlah engkau berusaha (mengerjakan amal soleh yang lain), (۷

Dan kepada Tuhanmu sahaja hendaklah engkau memohon (apa yang engkau gemar dan ingini). (٨

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

?Je, hatukukupanulia kifua chako .١

.Na tukakuondolea mzigo wako .٢

.Ambao ulielemea mgongo wako .٣

.Na tukakutukuzia sifa zako .۴

.Basi kwa hakika pamoja na dhiki iko faraja .۵

.Hakika pamoja na dhiki iko faraja .۶

.Basi ukipata faragha, fanya juhudi .٧

.Na kwa Mola wako elekea kwa shauku .٨

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۲۸

(۹۴) سوره انشراح، مکی یا مدنی است و هشت آیه دارد (۸)

[سوره الشرح (۹۴): آیات ۱ تا ۸] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم.

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم؟ (۱).

و بار سنگین را از تو برنداشتیم؟ (۲).

همان باری که پشتت را می شکست (۳).

و نامت را بلند آوازه کردیم (۴).

از این به بعد هم دل خوشدار که بعد از هر دشواری گشایشی است (۵).

بلکه با هر دشواری دو گشایش است (۶).

پس هر گاه از کار روزانه ات فراغت یافتی به نماز و شکرانه پروردگارت بایست (۷).

و به سوی پروردگارت تمایل کن (۸).

بیان آیات در این سوره رسول خدا (ص) را امر می کند به اینکه کمر

خدمت در راه خدا ببندد، و به سوی او رغبت کند، و به این منظور نخست منت هایی که بر او نهاده تذکر می دهد، و این سوره هم می تواند مکی باشد و هم مدنی، ولی سیاق آیاتش به مدنی بودن سازگارتر است.

و در بعضی از روایات وارده از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که فرموده اند:

سوره" و الضحی" و سوره" ا لم نشرح" یک سوره اند، و نیز این معنا از طاووس و از عمر بن عبد العزیز نقل شده.

[نادرستی سخن فخر رازی در رد این قول که

سوره" و الضحی" و" الم نشرح" یک سوره اند]

فخر رازی در تفسیر کبیر خود بعد از نقل این معنا از دو نفر نامبرده گفته است: این دو نفر پنداشته اند ابتدای سوره دوم یعنی جمله" أَ لَمْ نَشْرَحْ" به منزله عطف است بر آیه ششم سوره قبل، یعنی جمله" أَ لَمْ یَجِدْکَ یَتِیماً فَآوی ، و این پندارشان درست نیست، برای اینکه سوره" و الضحی" در حال اندوه رسول خدا (ص) از آزار کفار نازل شده، و جنبه تسلیت دارد، چون حالت آن جناب حالت محنت و تنگ حوصلگی است، و سوره دوم اقتضا دارد در حالی نازل شده باشد که آن جناب شرح صدر و حالت خرسندی داشته باشد، و چگونه ممکن است در یک سوره این دو حالت در آن جناب و این دو لحن در بیان جمع شود؟! «۱».

و لیکن اشکالش وارد نیست، برای اینکه مراد از شرح صدر رسول خدا (ص) در سوره مورد بحث این است که خدای تعالی آن جناب را طوری کند که قلب نازنینش وسعتی داشته باشد که حقائق و معارفی که به وی القاء می شود بپذیرد، و از پذیرش آن به تنگ نیاید، و نیز تحمل آزارهایی که از ناحیه مردم می بیند داشته باشد، که بیانش می آید، نه اینکه بخواهد صرفا آن جناب را خوشحال کرده باشد، پس پندار خود فخر رازی پندار درستی نیست.

دلیل بر این معنا روایتی است که ابن ابی حاتم از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: من از پروردگارم مساله ای پرسیدم که دوست داشتم ای کاش نمی پرسیدم، و آن این بود که پروردگارا قبل از

من انبیایی بودند، برای بعضی از آنان باد را مسخر کردی، و بعضی دیگر مرده زنده می کردند، خطاب رسید مگر تو یتیم نبودی، و ما تو را مورد توجه مردم قرار دادیم؟ عرضه داشتم: بلی. فرمود: مگر نبود که من تو را گم شده دیدم، و هدایتت کردم؟ عرضه داشتم: بله، ای پروردگار من. فرمود:

آیا سینه ات را گشاده نکردم، و گرفتاریهایت را بر طرف ننمودم؟ عرضه داشتم بله ای پروردگار

---

(۱) تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۲.

من «۱». پس معلوم شد که اشکال فخر به نظریه مذکور وارد نیست، البته این بحث دنباله ای دارد که ان شاء اللَّه در سوره ایلاف می آید.

[مقصود از شرح صدر رسول اللَّه (صلّی الله علیه وآله وسلّم)، و وجوه مختلف در باره مراد از" وضع وزر" از آن حضرت

" أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ" راغب گفته: کلمه" شرح" در اصل لغت به معنای باز کردن گوشت و امثال آن است، وقتی گفته می شود:" شرحت اللحم" معنایش این است که گوشت باز شد، و" شرحت اللحم" معنایش این است که من گوشت را باز کردم، و از جمله موارد استعمالش" شرح صدر" است، که معنایش باز شدن و گستردگی سینه به نور الهی و سکینتی از ناحیه خدا و روحی از او است، و در قرآن فرموده:" أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ" و نیز فرموده:" فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ" «۲».

ترتب آیات سه گانه اول سوره که مضمون هر یک مترتب بر آیه قبل است، و سپس تعلیل آنها به آیه" فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً" که از ظاهرش بر می آید که با وضع رسول خدا (ص) در اوائل بعثتش

و اواخر آن منطبق باشد، و سپس تکرار این تعلیل و نیز تفریع دو آیه آخر سوره بر ما قبل همه شاهد بر آنند که مراد از شرح صدر رسول خدا (ص) گستردگی و وسعت نظر وی است، به طوری که ظرفیت تلقی وحی را داشته باشد، و نیز نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملایماتی را که در این راه می بیند داشته باشد، و به عبارتی دیگر نفس شریف آن جناب را طوری نیرومند کند که نهایت درجه استعداد را برای قبول افاضات الهی پیدا کند.

" وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ " کلمه" وزر" به معنای بار سنگین است، و" انقاض ظهر" به معنای شکستن پشت کسی است، شکستنی که صدایش به گوش برسد، آن طور که از تخت و کرسی و امثال آن وقتی کسی روی آن می نشیند، و یا چیز سنگینی روی آن می گذارند صدا برمی خیزد، و مراد از" انقاض ظهر" (غالبا) معنای لغوی آن نیست، (چون کسی پشت کسی را آن طور نمی شکند که صدای تخت و کرسی کند)، بلکه منظور ظهور آثار سنگینی وزر بر آدمی است، ظهوری بالغ.

و" وضع وزر" به معنای از بین بردن آن سنگینی است، که رسول خدا (ص)

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۸.

(۲) مفردات راغب، ماده" شرح".

احساسش می کرد، و جمله" وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ" عطف است بر جمله" أَ لَمْ نَشْرَحْ ..."، چون معنایش" قد شرحنا لك صدرك" است، در نتیجه معنای دو جمله چنین می شود:" محققا ما سینه ات را گشودیم، و سنگینی هایی که بر دوشت بود برداشتیم".

و مراد از وضع وزر رسول خدا (ص)- به طوری که از سیاق بر

می آید، و قبلا- هم اشاره کردیم- این است که دعوت آن جناب را انفاذ و مجاهداتش در راه خدا را امضا نمود، به این معنا که اسباب پیشرفت دعوتش را فراهم کرد، چون رسالت و دعوت و فروعات آن ثقلی بود که به دنبالش شرح صدر بر آن جناب تحمیل نمود.

ولی بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: وضع وزر، اشاره است به داستانی که در روایات آمده که در ایام کودکیش دو تا فرشته بر آن جناب نازل شدند، و سینه اش را شکافته قلبش را در آوردند، و دوباره در جایش قرار دادند، که روایتش به زودی از نظر خواننده خواهد گذشت.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: منظور از وزر، اعمالی است که قبل از بعثت از آن جناب سر زده بود.

و بعضی «۳» گفته اند: منظور غفلتش از شرایع و امثال آن است که آگاه شدن بدان جز با وحی صورت نمی گیرد، و بیان هر شریعتی را باید آن جناب بخواهد، تا پاسخش از راه وحی برسد.

بعضی «۴» دیگر گفته اند: منظور تحیر آن جناب است در اینکه آیا رسالت الهی را آن طور که باید انجام داده ام یا نه.

بعضی «۵» هم گفته اند: منظور وحی و سنگینی آن است، چون در اوائل بعثت گرفتن وحی بر او دشوار بوده.

بعضی «۶» گفته اند: منظور رنجی است که آن جناب از گمراهی قومش و دشمنیشان با آن جناب می برده، و وی از ارشادشان عاجز می شده.

و بعضی «۷» گفته اند: منظور رنجی است که از تعدی دشمن در آزار آن جناب می برده.

بعضی «۸» دیگر گفته اند: مراد اندوهی است که از مرگ عمویش ابو طالب و مرگ همسرش خدیجه در دل داشته.

بعضی «۹» دیگر گفته اند:

کلمه" وزر" به معنای معصیت است، و رفع و زر به معنای عصمت است.

---

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۶۷.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۶۹.

بعضی «۱» گفته اند: منظور از وزر گناه امت آن جناب است، و قهرا مراد از وضع وزر آمرزش آن گناهان است.

و این وجوهی که نقل شد بعضی ها سخیف و بعضی دیگرش ضعیف است و با سیاق سازگار نیست، بعضی ها به عنوان" قیل- گفته شده" نقل شده، و بعضی دیگرش به صورت احتمال ذکر شده است.

" وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ"" رفع ذکر" به معنای بلند آوازه کردن کسی است، به طوری که نامش و گفتگویش از همه نامها و همه خاطره ها بلندتر باشد، و خدای تعالی نام آن حضرت را چنین کرد (همه جا سخن از آن حضرت بود)، و یکی از مصادیق رفع ذکر آن جناب این است که خدای تعالی نام او را قرین نام خود کرد، و در نتیجه در مساله شهادتین که اساس دین خدا است نام او قرین نام پروردگارش قرار گرفت، و بر هر مسلمانی واجب کرد که در هر روز در نمازهای پنجگانه واجب نام آن جناب را با نام خدای تعالی به زبان جاری سازد، و لطفی که در آیه مورد بحث بکار رفته از نظر خواننده دور نماند، و آن این است که: بعد از کلمه" وضع" در آیه سابق کلمه" رفع" را که درست مقابل آن است آورد.

[توضیح مفاد آیه:" فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً" و رد سخنی از زمخشری در این باره

" فَإِنَّ

مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً" بعید نیست این آیه تعلیل مطالب گذشته یعنی وضع وزر و رفع ذکر باشد، چون رسالتی که خدای تعالی بر آن جناب تحمیل کرده، و دستور داد مردم را به سوی آن دعوت کند سنگین ترین باری است که بر یک بشر تحمیل شود، و معلوم است که با قبول این مسئولیت کار بر آن جناب دشوار شده، و همچنین تکذیبی که قومش نسبت به دعوتش نموده و استخفافی که به آن جناب کردند، و اصراری که در محو نام او می ورزیدند، همه برای آن جناب دشواری روی دشواری بوده، و خدای تعالی در آیه قبلی فرمود: ما این دشواری ها را از دوش تو برداشتیم، و معلوم است که این عمل خدای تعالی مانند همه اعمالش بر طبق سنتی بوده که در عالم به جریان انداخته، و آن این است که همیشه بعد از هر دشواری سهولتی پدید می آورد، و به همین جهت مطلب دو آیه قبل را تعلیل کرده به اینکه اگر از تو وضع وزر کردیم، و اگر نامت را بلند ساختیم، برای این بود که سنت ما بر این جاری شده که بعد از عسر، یسر بفرستیم، و بنا بر این احتمال لام در کلمه" العسر" لام جنس خواهد بود، نه لام استغراق،

---

(۱) روح المعـــــــــــانی ، ج ۳۰، ص ۱۶۹.

می خواهد بفرماید جنس عسر این طور است که به دنبالش یسر می آید، نه تمامی فرد فرد عسرها، و بعید هم نیست که یسر یا عسر از مصادیق سنتی دیگر باشد، و آن سنت تحول حوادث و تقلب احوال و بی دوامی همه شؤون زندگی دنیا است.

و از زمخشری حکایت

شـده که در کشـاف گفته: حرف" فـاء" در جمله" فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ ..." فـای فصـیحه است، و زمینه کلاـم زمینه تسـلیت دادن و دلخوش کردن رسول خدا (ص) به وسیله وعده ای جمیل است.

وی می گوید: مشـرکین رسول خدا (ص) و مؤمنین را سرزنش می کردند به اینکه مردمی فقیرند، چیزی از مال دنیا ندارند، به حـدی این زخم زبـان اوج گرفت که به دل شـریف آن حضـرت افتاد که نکنـد اسـلام نیاوردن مردم و تحقیرشان از مؤمنین به خاطر همین تهی دستی مؤمنین است، و خدای تعالی برای دفع این احتمال نعمت های بزرگی را که به آن جناب ارزانی داشـته بود به رخش کشـید، آن گاه اضافه کرد:" فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً" گویا فهماند این ما بودیم که به تو دادیم آنچه که خودت می دانی، پس از فضل خدا مایوس نباش، و بدانکه بعد از سختی ها گشایشی برای شما خواهد بود «۱».

و ظاهر گفتار وی این است که لام در" العسر" را لام عهد گرفته، نه لام جنس، و مراد از یسر هم غنیمت هایی است که خدای تعالی در سالهای بعد نصیب مؤمنین کرده.

لیکن ما این حرف را قبول نداریم، برای اینکه ذهن شریف رسول خدا (ص) اجل از آن است که از حال کفار و علت کفرشان بی خبر باشـد، و ندانـد که علت اصـلی آن اسـتکبار از حق است، و خلاـصه خـدا را کوچـک تر از آن می داننـد که دعـوت پیامبرش را بپذیرند، به شـهادت اینکه این کفار بعد از ظهور شوکت اسـلام و پولدار شدن مؤمنین هم ایمان نیاوردند، و خدای تعالی پیامبرش را از امیدواری به ایمان آوردن اکثر آنان نهی و نومید کرده،

هم در آيات سوره يس كه در مكه يعنى در ايام فقر مؤمنين نازل شـده فرموده:" لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ ... وَ سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ" «۲»، و هم در سوره بقره كه در مـدينه يعنى در روزگـار خوش مؤمنين نازل شده فرموده:" إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ" «۳».

---

(۱) تفسير كشاف، ج ۴، ص ۷۷۱.

(۲) البته وعـده عـذاب مـا بر اكثر آنـان چون ايمان نمى آورنـد حتمى و لازم شـد ... و تو چه ايشان را انـذار بكنى و چه نكنى يكسان است، هرگز ايمان نخواهند آورد. سوره يس، آيه ۱۰.

(۳) كسانى كه كافر شدنـد براى آنها تفاوت نمى كنـد كه آنان را بترسانى يا نترسانى، ايمان نخواهند آورد. سوره بقره، آيه ۶.

و اگر مـا يسـر بعـد از عسـر را حمـل كنيم بر شوكت اسـلام و رفعتش بعـد از دوران سـختى، و سوره را هم از سوره هاى مكى بگيريم، خيلى مورد اشكال واقع نمى شود.

[مفاد تكرار جمله:" إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً" و چند وجه در باره امر" فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ..." به پيامبر (صلّى الله عليه وآله وسلّم)]

" إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً" اين جمله تاكيد آيه قبل و تثبيت آن است.

ولى بعضى «۱» گفته اند: جمله اى است استينافى و مفسرين «۲» گفته اند: اين دو آيه دلالت دارد بر اينكه با يک عسـر دو يسر هست، و اين گفتار ناشـى از يک قاعده اى است كه مى گويد: كلمه اى كه الف و لام بر سـر دارد و به اصـطلاح معرفه است، اگر در كلامى تكرار شود، منظور از آن همان كلمه اول است،

و هر دو کلمه یک چیز را می رسانند، ولی اگر نکره باشد دومی معنا و منظوری غیر منظور اولی را افاده می کند، مثلا اگر بگویی:" اذا اکتسبت الدرهم- یا: درهما- فانفق الدرهم" معنایش این است که وقتی درهمی- یک درهم- کاسبی کردی، همان درهم را خرج کن، و اما اگر بگویی" اذا اکتسبت درهما فانفق درهما" معنایش این است که اگر درهمی را کسب کردی، درهمی را خرج کن، و در این جمله منظور این است که درهمی را خرج کن، لیکن این قاعده کلیت ندارد.

تنوینی که در کلمه" یسرا" است به قول بعضی «۳» برای بزرگداشت یسر است، و می فهماند با هر عسر، یسری گرانقدر می آید، ولی به نظر ما تنوین تنویع است، و می خواهد بفرماید با هر دشواری نوعی گشایش هست، و منظور از کلمه" مع- با" واقع شدن یسر به دنبال عسر است، نه اینکه منظور از معیت این باشد که یسر و عسر در زمان واحد تحقق می یابد.

" فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَ إِلی رَبِّکَ فَارْغَبْ" این آیه خطاب به رسول خدا (ص) است، و مطلبش به خاطر اینکه حرف" فاء" در آغازش آمده نتیجه گیری از بیان آیات قبل است، که سخن از تحمیل رسالت و دعوت بر آن جناب داشت، و منت های خدا را بر او که شرح صدرش داده، وزر را از او برداشت، و نامش را بلند آوازه کرد، بر می شمرد، و در آخر، همه اینها را از باب یسر بعد از عسر دانست.

و بنا بر این، معنایش این می شود: حال که معلوم شد هر عسری که تصور شود بعدش ______________________

(۱ و ۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۷۰.

(۳)

یسر می آید، و زمام عسر و یسر تنها به دست خدا است و لا غیر، پس هر گاه از انجام آنچه بر تو واجب شده فارغ شدی نفس خود را در راه خـدا یعنی عبادت و دعا خسـته کن، و در آن رغبت نشان بده، تا خدا بر تو منت نهاده راحتی که دنبال این تعب است و یسری که دنبال این عسر است، به تو روزی فرماید.

بعضی «۱» از مفسرین گفته اند: مراد این است که هر گاه از واجبات فارغ شدی، به نمازهای مستحبّ بایست.

بعضی «۲» دیگر گفته اند: معنایش این است که هر گاه از نماز فارغ شدی به دعا بپرداز.

لیکن صاحبان این دو قول بر روی بعضی از مصادیق انگشت گذاشته اند، و نمی توانند بگویند آیه تنها در این معنا نازل شده.

بعضی «۳» دیگر گفته اند: معنایش این است که هر گاه از جنگ فارغ شدی، در عبادت بکوش.

و بعضی «۴» گفته اند: مراد این است که هر گاه از دنیایت فارغ شدی به آخرتت بپرداز، و بعضـی وجوه دیگری ذکر کرده اند که وجوهی ضعیف است.

بحث روایتی [(روایاتی متضمن تمثیلی حاکی از شکافته شدن سینه پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) و تبدیل قلب او و روایاتی دیگر در ذیل آیات گذشته)]

در الـدر المنثـور اسـت که عبـد اللَّه بن احمـد در کتـاب" زوائـد الزهـد"، از ابی بن کعب روایت کرده که گفت: ابـو هریره از رسول خـدا (ص) پرسـید اولین چیزی که از امر نبوت دیـدی چه بود؟ رسول خدا (ص) خود را جمع و جور کرد و نشـست، و فرمود: ای ابو هریره (خوب) سؤالی کردی، من

در صحرا بودم در حالی که بیست سال و چند ماه از عمرم گذشته بود، ناگهان از بالای سرم سخنی شنیدم، به بالا نظر کردم مردی را دیدم که از مردی دیگر می پرسید، آیا این همان است؟ آن گاه هر دو به طرفم آمدند، با چهره هایی که نظیر آن را هرگز در خلق ندیده بودم، و ارواحی که در خلق هیچ چنین چیزهایی ندیده بودم، و نیز جامه هایی که در خلق بر تن احدی ندیده بودم، آن دو نفر نزدیک من می آمدند، و آن قدر جلو آمدند که هر کدام یک بازوی مرا گرفت، ولی من احساس تماس دست آنها با

(۱ و ۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۷۲.

(۳ و ۴) روح المعـــــــــــــــــــانی، ج ۳۰، ص ۱۷۲.

بازویم را نمی کردم.

در این حال یکی به دیگری گفت بخوابانش و او بدون فشار و یا کشیدن مرا خوابانید، پس یکی به دیگری گفت: سینه اش را بشکاف، پس آن دیگری سینه ام را گرفت آن را شکافت، و تا آنجا که خودم می دیدم خونی و دردی مشاهده نکردم، پس آن دیگری به وی گفت: کینه و حسد را در آور، و او چیزی بشکل لخته خون در آورده بیرون انداخت، باز آن دیگری گفت رافت و رحمت را در جای آن بگذار، و او چیزی به شکل نقره در همانجای دلم گذاشت، آن گاه انگشت ابهام دست راستم را تکان داد و گفت برو به سلامت. من برگشتم در حالی که احساس کردم که نسبت به اطفال رقت، و نسبت به بزرگسالان رحمت داشتم «۱».

مؤلف: و در نقل بعضی از ناقلان- از قبیل نقلی که در روح

المعانی آمده- که:" من ده ساله بودم" بجای" بیست سال و چند ماه" «۲».

و در بعضی «۳» روایات آمده که این قصه در هنگام نزول سوره" اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ ..." واقع شده که آن جناب چهل ساله بوده.

و در بعضی «۴» دیگر نظیر آنچه در صحیح بخاری «۵» و مسلم و ترمذی و نسایی نقل شده آمده که این قصه در شب معراج اتفاق افتاده.

و به هر حال بدون اشکال این قصه جنبه تمثیل دارد، و دانشمندان اسلامی بحث هایی طولانی پیرامون مفاد این روایات کرده اند که همه این بحث ها بر اساس این پندار است که جریان یک جریان مادی و یک برخورد مادی بوده، و به همین جهت وجوهی را ذکر کرده اند که چون اصل و اساس بحث باطل بود از نقل آن وجوه خودداری کردیم.

و در همان کتاب است که ابو یعلی، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، ابن حبان، ابن مردویه، و ابو نعیم (در کتاب دلائل)، همگی از ابی سعید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده اند که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: پروردگارت می فرماید: هیچ می دانی چگونه نامت را بلند آواز کردم؟ عرضه داشتم خدا بهتر می داند.

گفت پروردگارت می فرماید: از این راه که هر وقت نام من برده شود نامت با نام من ذکر شود «۶».

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۳.

(۲ و ۳ و ۴ و ۵) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۱۶۷ به نقل از کتب مذکور.

(۶) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۴.

و در همان کتاب است که عبد الرزاق، ابن جریر، حاکم و بیهقی، از حسن روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) روزی

خوشحال و خندان از خانه بیرون می آمد و می فرمود: هرگز یک" عسر" حریف دو" یسر" نمی شود،" إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً"،" إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً" «۱».

و در مجمع البیان در ذیل آیه" فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَ إِلی رَبِّکَ فَارْغَبْ" می گوید معنایش این است که وقتی از نماز واجب بپرداختی، برخیز و در برابر پروردگارت به دعا بایست، و با رغبت از او درخواست کن. آن گاه صاحب مجمع البیان می گوید: این معنا از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل شده «۲».

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۴.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۹.

تفسیر نمونه

سوره الم نشرح

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۸ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره ا لم نشرح

معروف این است که این سوره بعد از سوره و الضحی نازل شده است و محتوای آن نیز همین مطلب را تایید می کند چرا که در این سوره باز قسمتی از مواهب الهی بر پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) شمرده شده است در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره و الضحی آمده بود و سه موهبت بزرگ در سوره ا لم نشرح آمده است مواهب گذشته بعضی مادی و بعضی معنوی بود اما مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارد و عمده این سوره بر سه محور دور می زند:

یکی بیان همین نعمتهای سه گانه و دیگر بشارت به پیامبر از نظر بر طرف شدن مشکلات دعوت او در آینده و دیگر توجه به خداوند یگانه و تحریص و ترغیب به عبادت و نیایش .

و به همین دلیل در روایات اهل بیت (علیهمالسلام)

چنانکه قبلا هم اشاره کرده ایم این دو به منزله یک سوره شمرده شده است و لذا در قرائت نماز برای اینکه یک سوره کامل خوانده شود هر دو را با هم می خوانند.

در میان اهل سنت نیز بعضی طرفدار این نظریه هستند چنانکه فخر رازی از طاووس و عمر بن عبد العزیز نقل کرده که آنها نیز می گفتند این دو سوره سوره واحده است و در یک رکعت هر دو را تلاوت می کردند و میان این دو بسم الله را حذف می کردند (ولی طبق فتاوای فقهای ما بسم الله در هر دو باید باشد و اینکه مرحوم طبرسی در مجمع البیان نقل کرده که فقهای ما بسم الله را حذف می کنند درست به نظر نمی رسد).

عجب اینکه فخر رازی بعد از ذکر قول کسانی که آنها را سوره واحده می گویند، می گوید این سخن درست نیست زیرا محتوای آن دو با هم فرق دارد

سوره و الضحی هنگامی نازل شد که رسول خدا از ایذاء کفار ناراحت بود و در محنت و اندوه بسر می برد در حالی که دومی وقتی نازل شد که پیغمبر خوشحال و شادمان بود این دو چگونه با هم جمع می شود. <۱>

ولی این استدلال عجیبی است چرا که هر دو سوره سخن از زندگی گذشته پیغمبر می گوید و این در حالی بود که بسیاری از مشکلات را پشت سر نهاده و قلب پاک او غرق امید و سرور بوده است هر دو سوره از مواهب الهی سخن می گوید و گذشته سخت و پر محنت را یادآور می شود تا مایه تسلی

خاطر پیامبر و امیدواری بیشتر و کاملتر گردد.

به هر حال پیوند نزدیک محتوای این دو سوره چیزی نیست که قابل شک و تردید باشد نظیر همین معنی در سوره فیل و قریش نیز خواهد آمد انشاء الله در اینکه این سوره (ا لم نشرح) در مکه نازل شده یا مدینه از بیانات فوق روشن می شود که در مکه نازل شده است ولی با توجه آیه و رفعنا لک ذکرک : ما نام تو را بلند کردیم بعضی معتقدند که در مدینه نازل شده است در آن زمان که آوازه اسلام و پیامبر همه جا را گرفته بود ولی انصاف این است که این دلیل قانع کننده نمی باشد زیرا پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) با تمام مشکلاتی که در مکه داشت بلند آوازه بود و در تمام محافل سخن از قیام و رسالت و دعوت او بود و به وسیله اجتماع سالانه حج این آوازه به سایر مناطق حجاز مخصوصا مدینه رسید.

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم که فرمود: من قراءها اعطی من الاجر کمن لقی محمدا (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) مغتما ففرج عنه : هر کس این سوره را بخواند پاداش کسی را دارد که محمد (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است . <۲>

تفسیر :

ما تو را مشمول انواع نعمتها ساختیم

لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار و تسلی و دلداری

پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) است .

در نخستین آیه به مهمترین موهبت الهی اشاره کرده می فرماید: آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم (ا لم نشرح لک صدرک).

((نشرح)) از ماده شرح در اصل به گفته راغب در مفردات به معنی گسترش دادن قطعات گوشت و تولید ورقه های نازکتر است سپس می افزاید منظور از شرح صدر گسترش آن به وسیله نور الهی و سکینه و آرامش خداداد می باشد و بعد می گوید شرح دادن مشکلات سخن به معنی گسترش آن و توضیح معانی مخفی است به هر حال شک نیست که منظور از شرح صدر در اینجا معنی کنائی آن است و آن توسعه دادن به روح و فکر پیامبر است و این توسعه می تواند

مفهوم وسیعی داشته باشد که هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجتها و کارشکنیهای دشمنان و مخالفان .

و لذا هنگامی که موسی بن عمران ماءموریت دعوت فرعون طغیانگر را پیدا می کند اذهب الی فرعون انه طغی بلافاصله عرض می کند رب اشرح لی صدری و یسر لی امری خداوندا سینه ام را گشاده ساز و کار را بر من آسان کن (طه ۲۵ - ۲۶).

و در جائی دیگر خطاب به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمده است فاصبر لحکم ربک و لا تکن کصاحب الحوت اکنون که چنین است منتظر فرمان پروردگارت باش استقامت و شکیبائی کن و مانند یونس مباش (که بر اثر ترک شکیبائی

لازم گرفتار آن همه مشکلات و مرارت شد) (قلم - ۴۸).

شرح صدر در حقیقت نقطه مقابل ضیق صدر است چنانکه در آیه ۹۷ سوره حجر می خوانیم و لقد نعلم انک یضیق صدرک بما یقولون : ما می دانیم که سینه تو بخاطر گفتگوهای (مغرضانه) آنها تنگ می شود اصولا هیچ رهبر بزرگی نمی تواند بدون شرح صدر به مبارزه با مشکلات رود و آن کس که رسالتش از همه عظیم تر است (مانند پیغمبر اکرم) شرح صدر او باید از همه بیشتر باشد طوفانها آرامش اقیانوس روح او را بر هم نزند مشکلات او را به زانو در نیاورد کارشکنیهای دشمنان ماءیوسش نسازد سؤ الات از مسائل پیچیده او را در تنگنا قرار ندهد و این عظیم ترین هدیه الهی به رسول الله بود.

و لذا در حدیثی آمده است که پیامبر می فرماید: من تقاضائی از پروردگارم کردم و دوست می داشتم این تقاضا را نمی کردم عرض کردم خداوندا پیامبران قبل از من بعضی جریان باد در اختیارشان قرار دادی ، و بعضی مردگان را زنده می کردند، خداوند به من فرمود: آیا تو یتیم نبودی پناهت دادم ؟ گفتم آری ،

فرمود: آیا گمشده نبودی هدایتت کردم ؟ عرض کردم : آری ، ای پروردگار! فرمود: آیا سینه تو را گشاده ، و پشتت را سبکبار نکردم ؟ عرض کردم : آری ای پروردگار! <۳>

این نشان می دهد که نعمت شرح صدر ما فوق معجزات انبیا است ، و به راستی اگر کسی حالات پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را دقیقا مطالعه کند و میزان

شرح صدر او را در حوادث سخت و پیچیده دوران عمرش بنگرد یقین می کند که این از طریق عادی ممکن نیست ، این یک تاءیید الهی و ربانی است .

در اینجا بعضی گفته اند که منظور از شرح صدر همان حادثه ای است که در طفولیت یا جوانی پیغمبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) واقع شد که فرشتگان آسمان آمدند و سینه او را شکافتند و قلبش را بیرون آورده شستشو دادند، و آن را از علم و دانش و راءفت و رحمت پر کردند. <۴>

بدیهی است که منظور از این حدیث این قلب جسمانی نیست ، بلکه کنایه و اشاره ای است به امدادهای الهی از نظر روحی و تقویت عزم و اراده پیغمبر و پاکسازی او از هر گونه نقایص اخلاقی و وسوسه های شیطانی .

ولی به هر حال دلیلی نداریم که آیه مورد بحث اشاره به خصوص این ماجرا باشد، بلکه مفهومی گسترده و وسیع دارد که این داستان ممکن است مصداقی از آن محسوب شود.

و به خاطر همین شرح صدر بود که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) به عالیترین وجهی مشکلات رسالت را پشت سر گذاشت ، و وظائف خود را در این طریق به خوبی انجام داد

سپس به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) پرداخته می افزاید: ((آیا ما بار سنگین را از تو برنداشتیم !؟)) (و وضعنا عنک وزرک).

همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد (الذی انقض ظهرک). ((وزر)) در لغت به معنی سنگینی

است ، واژه ((وزیر)) نیز از همین معنی مشتق شده است ، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش می کشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهکار.

((انقض)) از ماده ((نقض)) به معنی گشودن گره طناب ، یا جدا کردن قسمتهای به هم فشرده ساختمان است ، و ((انتقاض)) به صدائی گفته می شود که به هنگام جدا شدن قطعات ساختمان از یکدیگر بگوش می رسد، و یا صدای مهره های کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می گیرد.

این کلمه در مورد شکستن پیمانها و قراردادها نیز به کار می رود و می گویند فلانکس نقض عهد کرد.

به این ترتیب آیه فوق می گوید: خداوند آن بار سنگین و کمرشکن را از تو برداشت .

این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت ؟ قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت ، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی ، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است ، نه تنها پیغمبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) که همه پیغمبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیغمبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از جهاتی سخت تر و سنگین تر بود.

بعضی نیز ((وزر)) را به معنی بار سنگین ((وحی)) در آغاز نزول ، تفسیر کرده اند.

بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج

و عناد مشرکان .

و بعضی به اذیت و آزار فوق العاده آنها.

و بعضی به اندوه ناشی از وفات عمویش ابو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مساءله عصمت و پاکی از گناه تفسیر کرده اند.

ولی ظاهرا همان تفسیر اول از همه مناسب تر است ، و اینها شاخ و برگی برای آن محسوب می شود.

و در سومین موهبت می فرماید: ((ما آوازه تو را بلند کردیم)) (و رفعنا لک ذکرک). <۵>

نام تو همراه اسلام و نام قرآن همه جا پیچید، و از آن بهتر اینکه نام تو در کنار نام الله هر صبح و شام بر فراز ماذنه ها و هنگام اذان برده می شود، و شهادت به رسالت تو، در کنار شهادت به توحید و یگانگی خداوند نشان اسلام ، و دلیل پذیرش این آئین پاک است .

چه افتخاری از این برتر، و رفعت مقامی از این بالاتر تصور می شود؟!

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در تفسیر این آیه می خوانیم که فرمود: جبرئیل به من گفت : خداوند متعال می گوید: هنگامی که نام من برده می شود نام تو نیز همراه من ذکر می شود (و در عظمت مقام تو همین بس).

تعبیر به ((لک)) (برای تو) تاءکیدی است بر اینکه نام و آوازه پیامبر را علیرغم تمام آن کارشکنیها و دشمنیها بلند ساخت .

در اینجا سؤ الی مطرح است که این سوره در مکه نازل شده در حالی که گسترش اسلام ، و حل مشکلات رسالت ، و برداشتن بارهای سنگین از دوش پیامبر (صلی اللّه علیه

و آله و سلّم) و بلند شدن آوازه او در اقطار جهان ، در مدینه واقع شد.

در پاسخ این سؤ ال بعضی گفته اند: منظور این است که بشارت آن قبلا به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) داده شد، و همان بود که بار اندوه و غم را از دل او برداشت ، و گاه گفته اند: فعل ماضی در اینجا معنی مستقبل را می بخشد، و نویدی است نسبت به آینده .

ولی حق این است که قسمتی از این امور در مکه مخصوصا در اواخر دوران سیزده ساله ای که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در مکه مشغول به دعوت مردم بود تحقق یافت ، ایمان در قلوب عده زیادی نفوذ کرد، و مشکلات نسبه کمتر شد اسم و آوازه پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم)، همه جا پیچید، و زمینه برای پیروزیهای بزرگ آینده فراهم گشت .

جالب اینکه ((حسان بن ثابت)) شاعر معروف پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در مدح آن حضرت به مضمون همین آیه در شکل زیبائی اشاره کرده ، می گوید:

و ضم الاله اسم النبی الی اسمه اذا

قال فی الخمس المؤ ذن اشهد

و شق له من اسمه لیجله

فذو العرش محمود و هذا محمد

خداوند اسم پیامبر را به اسم خود ضمیمه کرد در آن هنگام که مؤ ذن در پنج نوبت اشهد... می گوید.

و از نام خود نامی برای او انتخاب کرد تا احترامش کند لذا خداوند صاحب عرش محمود است و او محمد است !

سیمرغ فهم هیچکس از انبیا نرفت

آنجا که

تو به بال کرامت پریده ای

هر یک بقدر خویش بجائی رسیده اند

آنجا که جای نیست بجائی رسیده ای

در آیه بعد به پیامبرش مهمترین بشارت را می دهد و انوار امید را بر قلب پاکش می پاشد، و می فرماید: قطعا با سختی آسانی است (فان مع العسر یسری)

باز تاءکید می کند قطعا با سختی آسانی است (ان مع العسر یسری) غم مخور مشکلات و سختیها به این صورت باقی نمی ماند، کارشکنیهای دشمنان برای همیشه ادامه نخواهد یافت ، و محرومیتهای مادی و مشکلات اقتصادی و فقر مسلمین به همین صورت ادامه نمی یابد.

آن کس که تحمل مشکلات کند، و در برابر طوفانها ایستادگی به خرج دهد روزی میوه شیرین آن را میچشد، روزی که فریاد دشمنان خاموش ، کارشکنیها بی رنگ ، جاده های پیشرفت و تکامل صاف ، و پیمودن مسیر حق آسان خواهد شد.

گرچه بعضی از مفسران این آیات را اشاره به فقر مالی عمومی مسلمانان در آغاز ظهور اسلام شمرده اند، ولی گستردگی مفهوم آیات همه مشکلات را شامل می شود، این دو آیه به صورتی مطرح شده که اختصاص به شخص پیامبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و زمان آن حضرت نیز ندارد و بلکه به صورت یک قاعده کلی و به عنوان تعلیلی بر مباحث سابق مطرح است ، و به همه انسانهای مؤ من مخلص و تلاشگر نوید می دهد که همیشه در کنار سختیها آسانیها است ، حتی تعبیر به (()) (بعد نمی کند بلکه تعبیر به ((مع)) که نشانه همراهی است می کند.

آری چنین است که با هر مشکلی

آسانی آمیخته ، و با هر صعوبتی سهولتی همراه است ، و این دو همیشه با هم بوده و با هم خواهند بود.

این نوید و وعده الهی است که دل را نور و صفا می بخشد، و به پیروزیها امیدوار می کند، و گرد و غبار یاس و نومیدی را از صفحه روح انسان می زداید. <۶>

در حدیثی آمده است که پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: و اعلم ان مع العسر یسرا، و ان مع الصبر النصر، و ان الفرج مع الکرب : بدان که با سختیها آسانی است ، و با صبر پیروزی و با غم و اندوه خوشحالی و گشایش است <۷>

و در حدیثی از امیر مؤ منان علی (علیه السلام) می خوانیم : زنی شکایت همسرش را نزد آن حضرت برد که او چیزی بر من انفاق نمی کند، در حالی که همسرش واقعا تنگدست بود، علی (علیه السلام) از اینکه همسر او را به زندان بیفکند خودداری کرد، و در جواب فرمود: ان مع العسر یسرا (و او را به صبر و شکیبائی دعوت کرد) <۸>

آری :

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

سپس در آخرین آیات این سوره می فرماید: پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز (فاذا فرغت فانصب).

هرگز بیکار نمان ، تلاش و کوشش را کنار مگذار، پیوسته مشغول مجاهده باش و پایان مهمی را آغاز مهم دیگر قرار ده .

و در تمام این احوال به خدا تکیه کن و به سوی پروردگارت توجه نما (و

الی ربک فارغب).

رضایت او را بطلب ، و خشنودی او را جستجو کن ، و به سوی قرب جوارش بشتاب .

مطابق آنچه گفته شد آیه مفهوم گسترده ای دارد که فراغت از هر مهمی ، و پرداختن به مهم دیگر را شامل می شود، و جهت گیری تمام تلاشها را به سوی پروردگار توصیه می کند، ولی غالب مفسران معانی محدودی برای آیه ذکر کرده اند که می توان هر یک از آنها را به عنوان مصداقی پذیرفت :

جمعی گفته اند منظور این است هنگامی که از نماز واجب فراغت یافتی به دعا پرداز و از خدا تمنا کن تا هر چه می خواهی به تو بدهد.

یا اینکه هنگامی که از فرائض فارغ شدی برای نافله شب برخیز.

یا اینکه هنگامی که از دنیا فارغ شدی به امور آخرت و عبادت و نماز پروردگارت بپرداز.

یا اینکه هنگامی که از واجبات فراغت پیدا کردی به مستحباتی که خدا دستور داده توجه کن .

یا اینکه هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی به عبادت برخیز.

یا اینکه هنگامی که از جهاد با دشمن فارغ شدی به جهاد نفس پرداز.

یا اینکه هنگامی از ادای رسالت فارغ شدی به تقاضای شفاعت برخیز!

در روایات متعددی که دانشمند معروف اهل سنت حافظ ((حاکم حسکانی)) در ((شواهد التنزیل)) نقل کرده از امام صادق چنین آمده است که فرمود: یعنی هنگامی که فراغت یافتی علی را به ولایت نصب کن . <۹>

قرطبی نیز در تفسیر خود از بعضی نقل کرده است که معنای آیه این است هنگامی که فراغت یافتی امامی را که جانشین تو است نصب کن (هر چند

نامبرده

خودش این معنی را نپذیرفته است). <۱۰>

با توجه به اینکه در آیه شریفه موضوع ((فراغت)) معین نشده است و ((فانصب)) از ماده ((نصب)) (بر وزن نسب) به معنی تعب و زحمت است آیه بیانگر یک اصل کلی و فراگیر است ، و هدف آن است که پیامبر را به عنوان یک الگو و سرمشق از اشتغال به استراحت بعد از پایان یک امر مهم باز دارد، و تلاش مستمر و پی گیر را در زندگی به او گوشزد کند.

با توجه به این معنی روشن می شود که تمام تفاسیر فوق صحیح است ولی هر کدام به عنوان یک مصداق از این معنی فراگیر و عام .

و چه برنامه سازنده و مؤ ثری که رمز پیروزی و تکامل در آن نهفته است ، اصولا بیکار بودن و فراغت کامل مایه خستگی ، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی ، و در بسیاری از مواقع مایه فساد و تباهی و انواع گناهان است .

قابل توجه اینکه آمارها نشان می دهد که به هنگام تعطیلات مؤ سسات آموزشی میزان فساد گاهی تا هفت برابر بالا می رود!

به هر حال مجموعه این سوره بیانگر عنایت خاص الهی به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) و تسلی او در برابر مشکلات ، و وعده نصرت و تاءیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیبهای راه رسالت است .

و در عین حال مجموعه ای است امیدبخش سازنده و حیات آفرین برای همه انسانها و همه رهروان راه حق .

۱ - همانگونه که در بالا اشاره کرده ایم در روایات متعددی

آمده است که

منظور از آیه ((فاذا فرغت فانصب)) (به عنوان بیان یک مصداق) نصب امیر - مؤ منان علی (علیه السلام) به خلافت بعد از انجام امر رسالت است .

آلوسی در ((روح المعانی)) بعد از نقل این سخن از بعضی از ((امامیه)) می گوید: آنها ((فانصب)) را با کسر ((ص)) خوانده اند، و به فرض که چنین باشد دلیلی بر این نمی شود که منظور نصب علی بن ابیطالب باشد، سپس از زمخشری در کشاف نقل می کند که اگر برای شیعه چنین تفسیری ممکن باشد ناصبیها (دشمنان علی (علیه السلام) نیز می توانند آن را به عنوان دستور به نصب (به معنی بغض علی بن ابیطالب) تفسیر کنند!. <۱۱>

زیرا ((انصب)) (بفتح ص) به معنی خود را به تعب بینداز و جد و جهد کن آمده در حالی که ((انصب)) (به کسر ((ص))) دستور به نصب کردن و بالا بردن و برپا داشتن است .

این مفسران چنین پنداشته اند که ((شیعه)) قرائت آیه را تغییر می دهد، تا برای مساءله ولایت به آن استدلال کند، در حالی که هرگز نیاز به چنین تغییری نیست ، بلکه همین قرائت معروف و شناخته شده برای تفسیر مزبور کافی است ، زیرا می گوید بعد از فراغت از امر مهمی مانند رسالت برای امر مهم دیگری مانند ولایت تلاش و کوشش کن ، و این به عنوان یک مصداق ، کاملا قابل قبول است ، و می دانیم پیامبر طبق حدیث معروف غدیر و احادیث فراوان دیگر که در کتب همه علمای

اسلام آمده است تلاش پی گیر و مستمری در این زمینه داشت . اما چقدر زننده است که دانشمندی همچون زمخشری که علی (علیه السلام) را به عنوان چهارمین پیشوای بزرگ اسلام و جانشین پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می شمرد به خود اجازه دهد که بگوید ناصبیها نیز حق دارند آیه را به بغض علی بن ابیطالب

تفسیر کنند، چه تعبیر رکیک و زننده ای ؟ آنهم از چنین مفسری ؟

راستی تعصب چه پیامدهای زشتی که ندارد؟!

۲ - دانشمند معروف معتزلی ((ابن ابی الحدید)) در شرح ((نهج البلاغه)) از زبیر بن بکار که به گفته او نه شیعه بود و نه با معاویه دشمنی داشت بلکه از علی (علیه السلام) جدا شد و کناره گیری کرد، و به مخالفان پیوست او از فرزند مغیره بن شعبه نقل می کند که پدرم ((مغیره)) از عقل و درایت معاویه سخن بسیار می گفت ، و از طرز تفکرش اعجاب داشت ، ولی شبی از نزد او آمد در حالی که بسیار غمگین و ناراحت بود فهمیدم مساءله مهمی رخ داده است از او سؤ ال کردم دیدم از معاویه شدیدا بدگوئی می کند، علت را سؤ ال کردم گفت : امشب با او خلوت کرده بودم ، و به او گفتم تو به مقاماتی که می خواستی رسیدی ، اکنون در عدالت و گسترش خیرات بکوش ، زیرا سن تو بالا رفته است ، نسبت به بنی هاشم نیز نیکی کن ، چرا که امروز تهدیدی برای تو محسوب نمی شوند، و این سبب نام نیک برای تو می

شود.

او در پاسخ گفت : هیهات چه نامی از من باقی می ماند؟ خلیفه اول و دوم آن همه کار کردند چه نامی از آنها باقی مانده ؟ ولی شما ابن ابی کبشه (محمد (صلی اللّه علیه و آله و سلّم)) را بنگرید که هر روز پنج مرتبه نام او را بر فراز ماذنه ها به صورت ((اشهد ان محمدا رسول الله)) می برند، ای بیچاره ! چه کاری بعد از او باقی می ماند؟ و چه نامی برای ما خواهد ماند؟ نه به خدا سوگند مگر اینکه این وضع دگرگون گردد و نام پیامبر مدفون شود! <۱۲>

ولی به مقتضای و رفعنا لک ذکرک خدا خواسته است که این نام در سراسر

تاریخ و در تمام جهان بشریت بلندآوازه باشد چه دیگران بپسندند یا نپسندند؟ خشنود باشند یا ناخشنود؟ اصلا این تعبیرات را اگر بشکافیم چه معنی خواهد داشت ؟! لا حول و لا قوه الا بالله !.

خداوندا! قلب ما را از حب ذات تهی کن و از عشق خودت مملو ساز.

پروردگارا! تو خود وعده دادهای که با هر مشکلی راحتی و آسودگی است ، مسلمین امروز را از این مشکلات عظیم و ناملائماتی که از ناحیه دشمنان به آنها می رسد آسوده ساز.

بارالها! نعمتها و مواهب تو بر ما فراوان است به ما توفیق شکرگزاری آنها را مرحمت فرما.

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر بوستان پرطروات و زیبای دیگری قرار داریم. و پیش از هر چیز به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره شرح صدر و گشادگی و فراخی سینه در نگرش قرآن، کنایه

از ظرفیت بسیار به منظور شناخت حقایق و دریافت واقعیت ها از سراب ها، و اشاره به تحمل سختی ها و رنج ها در راه هدف، و نیز مهر و مدارا با همدین و همنوع در زندگی است. پیامبر گرامی به این ویژگی بزرگ آراسته بود و این یکی از نعمت های گران خدا بر اوست، که در نخستین آیه آمده و نام این سوره نیز از آیه اول برگرفته شده است.

۲ - فرودگاه این سوره این سوره پس از سوره «ضحی» در مکّه بر جان نورانی پیامبر فرود آمده است، به همین جهت پاره ای هر دو سوره را، یک سوره شناخته اند.

۳ - شمار آیه ها و واژه های آن این سوره ۸ آیه دارد، و از ۲۷ واژه، و ۱۰۳ حرف ساخته شده است.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر آورده اند که در این مورد فرمود:

من قرأها اعطی من الاجر کمن لقی محمداً مغتماً ففرّج عنه.(۲۰۰)

هر کس این سوره را تلاوت کند، پاداش او بسان پاداش کسی است که پیامبر را اندوه زده دیده، و اندوه را از قلب او زدوده است.

همان گونه که اشاره رفت از قرآن پژوهان شیعه روایت شده است که: این سوره با سوره «ضحی» به دلیل قالب و محتوای آیات یک سوره اند و «بسم الله الرحمن الرحیم» نیز که میان آیات آن ها آمده، مشکلی ایجاد نمی کند و دلیل دو سوره بودن آیات آن ها نیست، به همین جهت در نمازهای واجب به جای یک سوره می توان این دو سوره را خواند. در مورد سوره «فیل» و قریش» نیز همین گونه آمده است.

۵ - دورنمایی

از محتوای این سوره در این سوره کوتاه و آیات چندگانه آن، این نکات ارزشمند و الهام بخش به تابلو می رود:

سه موهبت پرشکوه خدا به پیامبر،

موهبت توسعه شخصیت،

برداشته شدن بارهای گران از دوش،

بلند آوازه شدن نام پیامبر،

ماندگار شدن راه سعادت آفرین او،

نویدهای شورانگیز و شوق آفرین،

بشارت رفع مشکلات و تنگناها در آینده نزدیک،

یک اصل امید بخش در زندگی،

چند رهنمود سر نوشت ساز برای خود شکوفایی بیشتر.

۱ - آیا سینه ات را برای تو گشاده نساختیم؟!

۲ - و بار گرانت را از [دوش تو برنداشتیم؟

۳ - [باری که [گویی پشت تو را شکست.

۴ - و [نام و] یاد تورا برایت بلند آوازه ساختیم.

۵ - پس به یقین با دشواری آسانی است.

۶ - بی تردید با دشواری آسانی است.

۷ - پس هنگامی که [از نماز] فارغ شدی، [در دعا و نیایش سخت بکوش.

۸ - و تنها به پروردگارت [امید ببند و به درگاه او] تضرع نما.

نگرشی بر واژه ها

شرح: این واژه در اصل به معنی گشودن و گسترش بخشیدن به دل با برداشتن چیزهایی است که مانع از دریافت و احساس آن

می گردد.

از شادمانی قلب به گشایش و باز شـدن دل، و از انـدوه دل، به گرفتگی آن تعبیر می گردد. به همین تناسب از توسـعه دادن به روح، که می توانـد گسترش دانش از راه وحی، و گسترش اخلاقی و انسـانی - نظیر تحمل و مـدارا و پایـداری و شـکیبایی را شامل گردد - به «شرح صدر» تعبیر می کنند.

وزر: این واژه به معنی سنگینی و گرانی

آمـده اسـت، و واژه «وزیر» از همیـن ریشه گرفته شـده است، چراکه بارهـای گران حـاکم را بر دوش می کشـد. و نیز به همین تناسب از گناهان بزرگ به «وزر» و «اوزار» تعبیر می کنند، چرا که کیفرهارا در پی دارد.

انقاض: به معنی صـدای شکسـتن و جدا شدن بندها و مهره ها و پیوندهایی است که زیر بارهای گران و کمرشـکن از هم جدا می شوند. با این بیان واژه «نقض» به معنی «هدم» و در هم شکستن آمده است.

نصب: این واژه به معنی «رنج» و خستگی آمده است.

تفسیر

نعمت «شـرح صدر» یا توسـعه شخصـیت آغازین آیات این سوره از نظر قالب ها و مفاهیم و سبک و آهنگ، بسان آیات سوره پیش است و هم چنان روی سخن خدا با پیامبر برگزیده و بنده گرانقدر خویش محمد(ص)می باشد.

نخست از او می پرسد:

أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ

هان ای پیامبر! آیا سینه ات را برای تو نگشاده و گسترش بنخشیده ایم؟

از پیـامبر آورده انـد که فرمـود: من از پروردگـار خویش تقاضـایی نمودم که اینـک دلم می خواست آن تقاضـا را نمی کردم. گفتم: پروردگارا، پیامبرانی پیش از من بودنـد که در برابر پاره ای از آنان «باد» را رام و فرانبردار فرمودی، و به پاره ای قـدرت زنده ساختن مردگان با یک اشاره، و این نعمت ها را سـند صداقت آنان در دعوت و رسالت شان قرار دادی. پیام آمد که: الم اجدک یتیماً فآویناک... آیا تو را یتیم نیافتم و پناه دادم؟

گفتم: چرا.

فرمود: آیا تو را گمنام نیافتم و بلند آوازه ساختم؟

گفتم: چرا.

فرمود: آیا سینه ات را برای تو نگشادم و گسترش نبخشیدم؟

گفتم: چرا،

فرمود: آیا بار گرانت را از دوش تو بر نگرفتم؟

گفتم: چرا پروردگار من.

با این بیان آیه شریفه در مقام بیان یکی از نعمت های گران خدا به پیامبر است و می پرسد: هان ای پیامبر! آیا سینه ات را برای تو نگشاده ایم؟ و آیا قلب و جان گرامی ات را به وسیله وحی و رسالت و دانش و قدرت تحمل و شکیبایی و مدارا گسترش نبخشیده ایم، تا بتوانی بار گران هدایت و ارشاد مردم را به دوش کشی و در برابر رنج ها و ناراحتی ها شکیبایی ورزی و با ایمان به هدف و پاداش پرشکوه کار سترگ خویش، همه گرفتاری ها و ناراحتی ها را در دریای ژرف مهر و مدارا و قدرت تحمل خویش برای خشنودی خدا و سعادت بشر هضم کنی؟

واژه «شرح» همان گونه که اشاره رفت، به معنی گشودن و گسترش بخشیدن آمده، و «تشریح اللحم» به معنی گسترش دادن به قطعات گوشت و برش دادن و نازک ساختن آن است، و در آیه منظور گسترش بخشیدن به سینه آن حضرت با ارزانی داشتن دانش و حکمت، توان حفظ قرآن و مقررات خدا از راه وحی و رسالت، و دادن قدرت وصف ناپذیر شکیبایی و پایداری و مهر و مدارا و تحمل قهرمانانه در برابر کارشکنی ها و تاریک اندیشی ها و اذیت و آزارها در راه هدف های والاست.

«بلخی» می گوید: سینه پیامبر گرامی بر اثر دشمنی ها و کینه توزی های پاره ای از پریان و آدمیان تنگ گردید، از این رو خدای فرزانه با مهر وصف ناپذیر خود به او، سینه اش را به گونه ای گسترش بخشید که آن حضرت همه رنج ها و مشکلات را در راه انجام فرمان خدا به جان خرید و

از پا ننشست، و این «شرح صدر» از نعمت های گران خدا به او بود.

«ابن عباس» آورده است که: گروهی از پیامبر پرسیدند، آیا گسترش یافتگی سینه و توسعه شخصیت ممکن است؟ أینشرح الصدر؟

پیامبرفرمود: آری.

پرسیدند آیا نشانه علامتی هم دارد؟ و هل لذلک علامه یعرف بها؟

فرمود: آری، دوری گزیدن و روی بر تافتن از جاذبه های فریبنده این جهان ناپایدار، روی آوردن به سرای آخرت و نعمت های ماندگار آن، و آماده شدن برای مرگ پیش از رسیدن آخرین لحظات از نشانه های رسیدن به نعمت «شرح صدر» و توسعه شخصیت و گسترش یافتن قلب و دل انسان های تربیت یافته و بزرگ است.التجافی عن دار الغرور، و الأنابه الی دار الخلود، و الاعداد للموت قبل نزول الموت.(۲۰۱)

گفتنی است که پرسش در آیه شریفه به مفهوم تقریر و بیان می باشد و منظور این است که ما این نعمت گران را به تو ارزانی داشتیم.

آن گاه در بیان نعمت گران دیگر خدا به پیامبر می فرماید:

وَ وَضَعْنا عَنْکَ وِزْرَکَ

آیا ما بار گرانت را از دوش تو برنداشتیم؟

همان بار گرانی که گویی پشت تو را می شکست.

الَّذِی أَنْقَضَ ظَهْرَکَ

از دیدگاه «زجاج» منظور این است که همان بارگرانی که به گونه ای بر پشت تو سنگینی می کرد که گویی صدای شکستن مهره ها و استخوان هایت به گوش می رسید.

امّا از دیدگاه برخی منظور آسان ساختن کار سترگ رسالت و پیام رسانی بر آن حضرت است، که این کار را به عنوان نعمتی گران در حق آن حضرت می شمارد.

به باور «ابومسلم» منظور رفع نگرانی هایی است که بر اثر شرارت و بیداد کفر و استبداد

در آن حضرت پدید آمده و روح مقدس او را آزار می داد، چرا که در فرهنگ و ادبیات عرب از نگرانی به بارگران، و از رفع آن ها به برداشتن بار گران تعبیر می شود.

امّا به باور پاره ای دیگر منظور این است که: ما تو را از به دوش کشیدن بار گران گناه دور ساخته و به تو قدرت عصمت بخشیدیم.

مرحوم «سید مرتضی» می گوید: بدان دلیل از گناه به «وزر» تعبیر می گردد که بر گناهکار سنگینی می کند و او را گرانبار می سازد؛ از این رو هر چیزی بر انسان سنگینی کند و اندوه زده اش سازد، می توان از آن به «ورز» تعبیر کرد؛ بنابر این ممکن است منظور از واژه «وزر» در آیه، اندوه گرفتگی دل پیامبر از بیداد و فشار شرک و استبداد باشد؛ چراکه آن حضرت و یاران خداجو و کمال طلب اش در آن جامعه شرک زده در بند بودند و آن گاه که خدای فرزانه بر آن بزرگوار منّت نهاد و راه و رسم آزادمنشانه او را نیرو بخشید و دست او را باز کرد و سینه اش با ارزانی داشتن پیروزی گشود، این را به عنوان نعمت گران خود بر او یاد آور گردید تا سپاس آن نعمت را به جا آورد. این دریافت از آیه را، ادامه آیات تأیید می کند، چرا که آسان ساختن کارها به زدودن رنج ها و سختی ها شبیه تر است.

در این جا این پرسش قابل طرح است که: این سوره در مکه فرود آمده است، در حالی که پیروزی اسلام و بلند آوازه شدن نام پیامبر و راه رسم مترقی او در مدینه تحقق یافت، با این بیان چگونه می توان این تفسیر

را پذیرفت؟

پاسخ این است که خدای فرزانه با نوید این پیروزی در آینده نزدیک و بشارت بلند آوازه ساختن منطق و راه رسم او بر همه مرام های خرافی و شرک آلود، غم و اندوه گران را از دل پیامبر زدود، و اثر ویرانگر اذیت و آزار شرک گرایان را از میان برد و قوت قلب و اعتماد به نفس و شادمانی و گشادگی دل را جایگزین گرفتگی و تنگی دل ساخت، چراکه آن حضرت اطمینان داشت که وعده خدا حق است. گفتنی است که گرچه واژه های به کار رفته در این آیه ماضی است، امّا پیام آن برای آینده است و این گونه آیات در قرآن بسیار است، از آن جمله این آیه که می فرماید:

و نادی اصحاب الجنه اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً...(۲۰۲) و بهشتیان دوزخیان را ندا می دهند که: ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، درست یافتیم.

و نیز این آیه که می فرماید: و نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک...(۲۰۳)

و دوزخیان فریاد بر می آورند که: هان ای مالک! بگو پروردگارت جان ما را بستاند...

در چهارمین آیه مورد بحث در مورد سومین نعمت خدا به آن حضرت در این آیات می فرماید:

وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ

و یاد و نامت را بلند آوازه ساختیم.

به باور گروهی از جمله «حسن» منظور این است که: و یاد و نام تو را در کنار یاد و نام خود قرار دادیم، به گونه ای که در اذان، اقامه، تشّهد نماز و خطبه های منبرها و تریبون ها هماره نام تو پس از نام خدا به عظمت برده خواهد شد.

و به

باور «قتاده» خـدا نام پیامبرش را در دنیا و آخرت بلنـدآوازه ساخت، به گونه ای که هیـچ گوینـده و شـهادت دهنـده به یکتایی خدا و هیچ نمازگزاری ندای یکتایی و عظمت خدا را طنین افکن نمی سازد، جز این که به رسالت پیامبر نیز گواهی می دهد.

از پیامبر آورده اند که فرشته وحی به من گفت: خدای فرزانه فرمود هرگاه نام من برده شود، نام تو برده می شود.

«حسان» شاعر نامدار عصر رسالت در ستایش پیامبر با اشاره به این نکته از جمله می گوید:

و ضم الاله اسم النبی الی اسمه اذا قال فی الخمس المؤذن اشهد...

خدای یکتا نام گرامی پیامبرش را در کنار نام بلند خود نهاد، آن گاه که دستور داد در نمازهای شبانه روزی گواهی به رسالت محمد(ص)، پس از گواهی به یکتایی خدا طنین افکن گردد.

و برای آن حضـرت نامی از دل نام خویش بیرون کشید، تا او را گرامی دارد و بزرگ کند؛ از این رو است که خداوند عرش، «محمود» است و پیامبر «محمد».

در آیه بعـد خدای آگاه نوید آسانی پس از سـختی و آسایش پس از گرفتاری را به پیامبرش می دهد، چراکه آن حضـرت در مکّه به همراه یارانش سخت زیر فشار استبداد بود.

در نوید به فرارسیدن دوران توانایی و آسانی می فرماید:

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً

پس یقین داشته باش که با دشواری، آسانی خواهد بود.

به باور پاره ای منظور این است که: با فقر و تهیدستی، توانگری و بی نیازی خواهد بود.

امّـا به بـاور پـاره ای دیگر منظور این است که: با این اذیت و آزار شـرک و اسـتبداد، و شـکیبایی شـما در برابر آنان، سـرانجام آسایش و راحتی

خواهد بود و خدا شما را بر آنان پیروزی خواهد بخشید و آنان خواه ناخواه در برابر دین حق سرفرود خواهند آورد.

و روشنگری می کند که:

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً

آری، با دشواری آسانی است و با هر ناراحتی و سختی آسایش و آرامش خواهد بود.

از «ابن عباس» آورده اند که خدا می فرماید: من یک دشواری آفریدم و دو آسانی، بنابر این هرگز یک دشواری نخواهد توانست بر دو آسایش و راحتی چیره گردد.

از پیامبر آورده اند که پس از فرود این آیات، روزی در حالی که شاد و شادمان از خانه بیرون می آمد، فرمود: هرگز رنج و دشواری بر آسایش و آسانی چیره نخواهد شد، و آن گاه به تلاوت آیات مورد بحث پرداخت.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً...

«فراء» می گوید: در فرهنگ عرب هر گاه نکره ای آمد، و پس از آن نکره ای دیگر به کار رفت، نکره دوم غیر از اول خواهد بود؛ برای نمونه، هنگامی که گفته شود: من درهمی به دست آوردم، پس یک درهم هزینه خواهم نمودم، در اینجا درهم دوم، غیر از درهم اول است.

اما اگر به صورت معرفه آمد، معرفه دوم همان اولی خواهد بود؛ برای نمونه، اگر گفته شود: هر گاه یک درهم به دست آوردم، یک درهم هزینه خواهم کرد، این درهم دوم، همان درهم اول است.

بیان «زجاج» در تفسیر آیه بسان نکته ای است که ترسیم گردید، چراکه واژه «عسر» در هر دو آیه با «الف و لام» آمده و دومی همان اولی است، در حالی که واژه «یُسر» در هر آیه نکره است و دومی غیر اولی است؛ با این بیان با

یک دشواری دو آسانی خواهد بود.

صاحب کتاب «النظم» در تفسیر آیه می گوید: خدای فرزانه هنگامی که پیامبرش را فرمان بعثت داد، آن حضرت از ثروت و امکانات محروم بود و در برابر او سردمداران قریش، دارای ثروت و قدرت بادآورده ای بودند و او را به باد نکوهش می گرفتند و عیب جویی می نمودند. آنان به آن حضرت گفتند اگر در دعوت آسمانی خویش در اندیشه ثروت و قدرت هستی، دست از دعوت خود بردار تاتو را به خواسته ات برسانیم و آن گاه که صدافت و پایداری او را در دعوت توحیدی اش دیدند به تکذیب او پرداختند.

این رفتار ابلهانه و ظالمانه آنان دل نورانی پیامبر را اندوهگین ساخت، و خدای مهربان با نوید توانگری و پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ظلم و استبداد، به او آرامش خاطر بخشید و روشنگری فرمود که با دشواری، آسانی است.

آن گاه آن نوید پیروزی و آسایش را با یاری خویش جامه عمل پوشاند، و آن بزرگوار در زندگی خویش گسترش دین و روی آوردن مردم به اسلام و گشوده شدن دروازه های حجاز و شام و یمن را بر روی یاران خود دید و ثروت و قدرت و امکاناتی به او ارزانی گردید که در آن شرایط می توانست دویست شتر ببخشد، و هدایای ارزشمندی فراهم آورد و برای خاندانش زاد و توشه سال را پس انداز نماید.

نکته دیگر در اینجا این است که «اِنّ مع العسر یسراً» آغاز مطلب است، چرا که بدون «فا» و «و» آمده و بیانگر این قانون جهانشمول برای مردم با ایمان است که: هان ای مردم! بدانید که با هر دشواری و سختی، آسانی

و آسایش خواهد بود؛ یکی در این جهان و دیگری در جهان دیگر. این نوید خداست که دل را صفا می دهد و به انسان امید می بخشد و غم و اندوه و غبار نومیدی را می زداید؛ و چه بسا که هر دو آسایش و راحتی دنیا و سرای آخرت - که در دو آیه آمده است - روزی کسی گردد.

و بیان پیامبر نیز بیانگر همین نکته است که فرمود: یک دشواری هرگز نمی تواند بر دو آسانی چیره شود، چرا که دشواری میان دو آسایش است: یا پیروزی و آسایش دنیا و یا پاداش آخرت.

آنچه آمد دیدگاه «جرجانی» در مورد آیه بود که دیدگاه «سیدمرتضی» را نیز تأیید می کند، چرا که او نیز بر این باور است که هر گاه گوینده ای حکیم سخنی بگوید و آن را تکرار کند، ظاهر دوسخن، نشانگر دو مفهوم است، مگر این که میان دو مخاطب عهد و نشانی باشد که منظور از سخن دوم، همان سخن اول است، و جز آن را در نظر نگرفته است.

شاعر در این مورد می گوید:

اذا بلع العسر مجهوده فثق عند ذلک بیسر سریع ...

هنگامی که دشواری به نهایت خود رسید، آن گاه اطمینان داشته باشد که آسانی زودرسی در راه است.

آیا ندیدی که شومی و سختی سرمای زمستان را که از پی ان بهار پرطراوت و زیبا رخ می گشاید.

و دیگری می گوید:

فلا تیأس و ان اعسرت یوماً

فقد ایسرت فی دهر طویل اگر روزی در دشواری و فشار افتادی نومید مشو، چراکه روزگاری دراز در آسایش و توانگری خواهی زیست.

و به پروردگارت گمان بد مبر، چرا که ذات

بی همتای خدا به خوش گمان بودن به او زیباتر است.

بی تردید در پی دشواری آسانی خواهد آمد، و سخن خدا راست ترین گفتارهاست که فرمود: ان مع العسر یسراً.

در هفتمین آیه مورد بحث می فرماید:

فاذا فرغت، فانصب پس هنگامی که از کار حساسی فراغت یافتی به کار حساس دیگری بپرداز.

به باور گروهی از مفسران منظور این است که: هر گاه از نماز واجب فراغت یافتی، دست راز و نیاز به بارگاه پروردگارت بگشای و نیازمندی هایت را از او بخواه که خواسته هایت را بر می آورد. این دیدگاه از امام باقر و صادق نیز روایت شده است.

واژه «فانصب» از ماده «نصب» به معنی رنج و زحمت آمده و منظور آیه این است که: هان ای پیامبر! هنگامی که فراغت یافتی به کار مهم دیگری بکوش و به راحتی مپرداز.

«زهری» می گوید: هرگاه از نمازهای واجب فراغت یافتی به دعا و راز و نیاز بپرداز.

از امام صادق آورده اند که منظور دعای پس از سلام نماز است که خدا پیامبرش را به آن رهنمون می گردد.

به باور «ابن مسعود» منظور ترغیب به شب زنده داری پس از نماز شب می باشد.

اما به باور «مجاهد» منظور این است که: هر گاه از کار دنیا فراغت یافتی در عبادت خدا بکوش.

از دیدگاه «ابن عباس» منظور این است که: هر گاه از کارهای واجب فراغت یافتی به کارهای پسندیده دیگری که خدا تو را ترغیب فرموده است بپرداز.

و از دیدگاه «حسن» و «ابن زید» هر گاه از جهاد با تجاوزکاران فراغت یافتی به عبادت خدا بکوش.

برخی برآنند که: هر گاه از جهاد با

دشمن تجاوزکار فارغ شدی به جهاد با نفس بپردازد.

و برخی دیگر بر این باورند که: وقتی از رساندن پیام خدا فراغت یافتی برای شفاعت بکوش.

از «علی بن طلحه» از تفسیر آیه مورد بحث پرسیدند، او پاسخ داد: بحث در این مورد بسیار است و ما شنیدیم می گویند: هنگامی که از بیماری نجات یافتی از سلامت و فرصت برای عبادت و بندگی بهره گیر.

و از «شریح» داستانی آورده اند که بر همین نکته راهکشاست. او روزی بر دو تن گذر کرد که در حال کشتی بودند و سخت در تلاش برای موفقیت. او به آن دو گفت: این کار شما نه آن است که خدا فرمان می دهد و می فرماید: پس هنگامی که فراغت یافتی در اطاعت و عبادت خدا بکوش و خواسته هایت را از بارگاه او بخواه و به کسی از خلق روی میاور.

و «عطاء» بر آن است که: پس آن گاه که فراغت یافتی در حالی که در شور و شوق بهشت هستی و از دوزخ سخت ترسان و گریزان، به راز و نیاز با او روی آور.

و از حضرت صادق آورده اند که فرمود: فاذا فرعت فانصب...(۲۰۴)

هنگامی که از رساندن پیام خدا فراغت یافتی، علی (ع) را به رهبری و هدایت جامعه برگزین و او را به مردم بشناسان.

تفسیر اطیب البیان

سوره انشراح ، غرض سوره : دعوت برای توجه بسوی خدا و بذل همت در راه خدا و رغبت بسوی او و بیان اینکه تنها طریقه آسان و مطابق فطرت همین است .

(۱) (الم نشرح لک صدرک):(آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم ؟)

(۲) (و وضعنا عنک وزرک): (و بار سنگین

را از دوشت بر نداشتیم ؟)

(۳) (الذی انقض ظهرک):(همان باری که پشت تو را می شکست)

(۴) (و رفعنالک ذکرک):(و نامت را بلند آوازه کردیم)در مقام امتنان نعمات الهی را که به حضرت رسول ص اعطا شده بر می شمارد ومی فرماید: آیا ما سینه تو را گستردگی و وسعت نبخشیدیم تا ظرفیت دریافت و تلقی وحی را داشته و نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملایماتی را که در این راه می بیند، داشته باشد؟ یعنی می خواهد بفرماید: ما نفس تو را آنچنان نیرومند ساختیم که نهایت درجه استعداد برای قبول افاضات الهی را پیدا کند و آرامش و سکینه داشته باشد.در ادامه می فرماید: آیا ما بار سنگین و کمرشکن را از دوش تو برنداشتیم که مراد ازآن بار سنگین دعوت و رسالت و تبلیغ وحی الهی است و خداوند با فراهم کردن اسباب پیشرفت دعوت و رسالت آنحضرت تحمل این بار سنگین را بر او ممکن و آسان نمود.ولی بعضی مفسرین (۲۹) وزر را در مورد داستانی دانسته اند که در بعضی روایات ازابوهریره از قول رسولخدا ص آمده ، به این مضمون که در هنگام کودکی آنحضرت دو فرشته بر آنجناب نازل شدند و سینه اش را شکافته و قلبش را بیرون آورده و چیزی به شکل لخته ای از آن بیرون انداختند و سپس دوباره آن را در جای خود قرار دادند وظاهرا این ماجرا می خواهد به مسأله عصمت آنحضرت اشاره کند و آن لخته خون که ازقلب آنحضرت جدا شده ، ظاهرا همان میل به گناه و کینه و حسد بوده است ، اما این

روایت بـدون اشـکال نیست و اگر هم صـحیح باشـد، جنبه تمثیلی دارد.آنگاه می فرمایـد: آیا ما نام تو را بلند آوازه نساختیم ؟ یعنی نام و یاد پیامبر ص ازهمه نامها و یادها بلند آوازه تر است ، چون خدا نام آنحضـرت را در کلمه شهادتین (که اساس دین است و فرد بـا ادای آن مسـلمان می شـود) قرین نـام خـود نموده و بر هر مسـلمانی واجب کرده که نـام آنجنـاب را در هر روز هنگام نمازهای پنجگانه یاد کند و در هنگام ادای تشهد بر آنحضرت درود و صلوات بفرستد.

(۵) (فان مع العسر یسرا):(بدرستی که با هر سختی ، آسانیست)

(۶) (ان مع العسر یسرا):(آری پس از هر سختی آسانیست)

(۷) (فاذا فرغت فانصب):(پس هرگاه از امور خود فراغت یافتی ، به نماز و شکرانه پروردگارت قیام کن)

(۸) (و الی ربک فارغب):(و به سوی پروردگارت مایل شو)در تعلیل مطلب قبلی می فرماید: اینکه ما بار سنگین را از دوش تو برداشتیم و نـامت رابلنـد آوازه کردیم ، برای این است که سـنت مـا بر این قرار گرفته که پس از دشواری ، آسـانی و گشـایش قرار دهیم ، و آنگاه در مقام تأکید و تثبیت مطلب می فرماید:براستی با هرسـختی آسانیست ، اما بعضی مفسرین گفته اند اینکه کلمه عسر که معرفه است و (الف) و(لام) دارد دوبار تکرار شده معلوم می شود منظور در هر دو مورد یکسان بوده ، اما کلمه (یسر) چون نکره و با تنوین نصب آمده و تکرار شده ، دومی معنایی غیر از معنای اولی را افاده می کند، بنابراین در اینجا می

خواهد بفرماید: با هر سختی دو آسانی وجوددارد(۳۰)،(اما این قاعده کلیت ندارد)بنابراین می خواهد به رسولخدا ص آرامش بدهد که بداند بعد از این همه دشواریهاو ناملایماتی که در راه دعوت و رسالت متحمل شده است ، در نهایت شدت و گرفتاری آنحضرت برطرف خواهد شد و دعوت او به ثمر می رسد.در ادامه مطلب خطاب به رسولخدا ص می فرماید: حال که معلوم گشت هر عسری بعد از آن یسر می آید و زمام این امور هم بدست خداست ، پس هرگاه از انجام آنچه برتو واجب شده فراغت یافتی ، نفس خود را در راه خدا و عبادت و دعا به درگاه او خسته کن و در آن رغبت و تمایل نشان بده ، تا خدا هم بر تو منت نهاده و به دنبال این تعب ودشواری عبادت ، آسانی و یسر به تو اعطا کند، بعضی مفسران (۳۱)گفته اند: مراد این است که هرگاه از واجبات فارغ شدی ، به مستحبات بپرداز، یا هرگاه از جنگ فارغ شدی به عبادت مشغول شو یا بعد از فراغت از امور دنیا به امر آخرتت بپرداز و یا پس از نماز به دعا و نیایش مشغول شو.

تفسیر نور

در سوره قبل (ضُحی) فرمود: خداوند تو را رها نکرده است: <<ما ودّعک ربّک>> در این سوره می فرماید: چگونه تو را رها کرده، کسی که بزرگ ترین الطاف و سرمایه ها را که شرح صدر است به تو داده است: <<ألم نشرح لک صدرک>>

«شرح صدر» به معنای گشایش سینه و بالا رفتن ظرفیّت انسان است تا بتواند ناملایمات را تحمّل کند و در مشکلات و سختی ها صبر و پایداری ورزد.

هنگامی

که خداوند حضرت موسی را به رسالت برگزید، اولین خواسته او سعه صدر بود که گفت: <<ربّ اشرح لی صدری>> <۸۸۱> پروردگارا! سعه صدر به من عطا کن. ولی پیامبر اسلام بدون درخواست مورد لطف قرار گرفت و سعه صدر را از خداوند دریافت کرد. <<الم نشرح لک صدرک>>

مراد از بار سنگین که بر دوش پیامبر سنگینی می کرد و خداوند با دادن شرح صدر، آن را ازدوش پیامبر برداشت، مسئولیّت رسالت و دعوت مردم به توحید و مبارزه با فساد و شرک و خرافات است.

از آنجا که غم و غصه ها را نمی توان کم کرد، پس باید ظرفیّت ها را بالا برد تا بتوان مشکلات را تحمّل کرد و کم نیاورد. شرح صدر نشانه لطف ویژه الهی است: <<فمن یرد اللّه ان یهدیه یشرح صدره للاسلام>><۸۸۲> یعنی هر کس را خداوند اراده کند هدایت یابد، روح او

برای پذیرش اسلام باز می کند.

از نظر روانی، هنگام برخورد با مشکلات نباید تمام ذهن متوجه آن شود، بلکه باید به سهولت های پس از آن که مورد وعده و سنت الهی است نیز توجه نمود.

عُسرها سبب یُسر است. کلمه «مَعَ» ممکن است به معنای سبب باشد، یعنی هر سختی در درون خود تجربه ها و سازندگی هایی دارد. <<انّ مع العسر یسراً>>

حذف حرف فاء در جمله دوم <<فانّ مع العسر یسرا، انّ مع العسر یسرا>> بیانگر آن است که این اصل عمومی است و مخصوص پیامبر نیست.

رهبران حق که در برابر طوفان مخالفت ها و مشکلات و شکنجه ها و تهدیدها و توطئه ها و تهمت ها و لجاجت ها و جنگ ها و... قرار می گیرند بیش از هر چیز به سعه صدر نیاز دارند. <<ألم نشرح لک صدرک>>

بر اساس روایات که

مورد فتوای مراجع دینی نیز قرار گرفته است، این سوره و سوره ضُحی یک سوره حساب می شوند نظیر سوره فیل و قریش و در نمازهای واجب که بعد از سوره حمد، خواندن بیش از یک سوره جایز نیست، این دو سوره باید با هم خوانده شود. شاهد یکی بودن این دو

ره، تناسب آیه آخر سوره قبل با آیه اول این سوره است که می فرماید: <<ألم نشرح لک صدرک>>

شرح صدری که به پیامبر اسلام داده شد، باعث شد تا آن حضرت در برابر آن همه آزارها، قومش را نفرین نکند و می فرمود: «اللّهم اهد قومی فانّهم لا یعلمون»<۸۸۳> یعنی خداوندا این مردم را هدایت کن زیرا که نمی دانند و در فتح مکه با اعلام عفو عمومی فرمود: <<لا ت

یب علیکم الیوم>> امروز باکی بر شما نیست و همه را بخشیدم، همانگونه که یوسف با این جمله تمام برادرانش را یکجا عفو کرد.

نمونه <<وضعنا عنک وزرک و رفعنا لک ذکرک>> این بود که مردم فوج فوج در دین خدا وارد می شدند <<یدخلون فی دین اللّه افواجاً>><۸۸۴> و در جنگ های بدر و خندق و حنین اسلام پیروز شد و با اینکه بعضی منافق و یا ترسو بودند و فرار می کردند باز اسلام رو به رشد بو

در اکثر موارد این بار سنگین توسط حضرت علی علیه السلام از دوش پیامبر برداشته می شد. او در بدر و خیبر و احد شجاعانه ترین عملیات را انجام داد.

البته در برخی موارد، «وزر» و سنگینی را، از طریق امدادهای غیبی و نزول فرشتگان ۸۸۵> و یا القاء ترس ۸۸۶> در دل دشمنان، از دوش پیامبر اکرم برداشته شد.

خداوند، نام و یاد پیامبرش را گرامی داشته

است. در قرآن، به درود و صلوات بر پیامبرش فرمان داده است: <<یا ایها الّذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً>><۸۸۷> نام او را در بسیاری از آیات در کنار نام خودش آورد است، <<یا ایها الّذین آمنوا اطیعوا اللّه و

طیعوا الرسول>><۸۸۸> در اذان، شهادت به رسالت او را در کنار شهادت به وحدانیّت خودش قرار داده است. «اشهد أن لا اله الاّ اللّه و اشهد انّ محمّداً رسول اللّه» و در تشهد هر نماز، نیز این شهادتین را تکرار کرده است.

زنی از ندادن نفقه شوهر فقیرش، نزد حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت مرد را زندانی نکرد و فرمود: <<انّ مع العسر یُسرا>><۸۸۹>

۱- سعه صدر، زمینه ساز انجام برنامه های سنگین رسالت است. <<الم نشرح... وضعنا عنک ورزک>>

۲- از آینده مکتب نگران مباشید. <<و رفعنا لک ذکرک>>

۳- مبارزه با خرافات و آداب و رسوم جاهلی بسیار سنگین است. <<وزرک>>

۴- کار پیامبر در حدّ کمرشکن بود. <<انقض ظهرک>>

۵ - نام نیک و آبرو لازمه توفیق در رهبری جامعه است. <<رفعنا لک ذکرک>>

۶- سنّت و برنامه الهی آن است که بدنبال هر سختی، آسانی است. <<انّ مع العسر یسرا>> (در جای دیگر قرآن می خوانیم: <<سیجعل اللّه بعد عُسر یسرا>><۸۹۰> سختی ها و مشکلات زوال پذیرند و به آسانی تبدیل می شوند).

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر صبر نوبت ظفر آید

۷- انسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیّتی، آماده پذیرش مسئولیّت دیگر و تلاش و کوشش دیگر باشد. <<فاذا فرغت فانصب>>

۸ - تلاش ها باید جهت الهی داشته باشد. <<الی ربّک فارغب>>

۹- تلاش و کوشش باید همراه با اخلاص باشد. <<فانصب... الی ربّک فارغب>>

۱۰- برای توجه به

خداوند باید نهایت تلاش را بکار برد. <<فانصب – الی ربک فارغب>>

۱۱- پیمودن راه خدا باید عاشقانه و با رغبت باشد. <<الی ربّک فارغب>>

۱۲- رغبت ها و تمایلات تنها سزاوار اوست نه دیگران. <<الی ربّک فارغب>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

Sharah Sadar means to expand the breast or heart which implies perfecting the faculties of reasoning, feeling and understanding for receiving knowledge and making best use of it. Refer to Anam: ۱۲, wherein it is stated that Allah guides whomsoever He pleases by "expanding his breast" to accept Islam. Refer to the commentary of Ta Ha: ۹ to ۹۸. When Musa was commanded by Allah to go to Firawn for admonishing him, he :prayed to Allah

O my Lord, expand my breast, make my task easy, and give me from my family a" .(supporter, Harun my brother, to strengthen my back." (Ta Ha: ۲۵, ۲۶, ۲۹, ۳۰, ۳۱ and ۳۲

In connection with the Holy Prophet who had been thoroughly purified, and also his Ahl ul Bayt, as declared in verse ۳۳ of Ahzab, sharah sadar means absolute perfection in wisdom, guidance and mercy only next to Allah as also stated in Najm: ۵ to ۹. The advent of the Holy Prophet was the fulfilment of the divine promise to give mankind a perfect guide. Refer to Baqarah: ۴۰, ۸۹ and Saff: ۶ for reference from the Old and New .Testaments

In his prayer mentioned in the commentary of verse ۱, Musa asked Allah to make his task easy and strengthen his back by appointing his brother Harun as his supporter

for preaching the message of Allah. In the commentary of verses ۹ to ۹۸ of Ta Ha it has been mentioned with authentic references from well known Muslim scholars that the Holy Prophet also asked Allah to appoint Ali as his supporter and vicegerent. Refer to the event of dawat dhil ashirah in the commentary of Ali Imran: ۵۲ and ۵۳. For vizr (the "burden or weight" of prophethood) see commentary of Muzzammil: ۵. So Ali ibn abi Talib was appointed by Allah as the bearer of the burden, announced by the Holy Prophet in dawat dhil ashirah and at Ghadir Khum (see commentary of Ma-idah: ۶۷). .To appoint Ali as his successor has been commanded by Allah in verse ۷ of this surah

(see commentary for verse ۲)

It is a divine announcement of the superior most eminence and glory of the Holy .Prophet

:Aqa Mahdi Puya says

Exalted your fame" refers to the name of the Holy Prophet pronounced in every azan" (call to prayer) and in tashahhud recited in every prayer in the form of salawat .(salutation on him and his Ahl ul Bayt). See commentary of Ahzab: ۵۶

There is no possible way to find out the nearest number the names of the Holy .Prophet and his Ahl ul Bayt are remembered by the believers in a single day

.Verse ۵ is repeated in verse ۶ for extra emphasis

This surah was revealed at the moment of the greatest difficulties in the life of the Holy Prophet. At that time of persecution and disbelief speaking of his exalted

glory and eminence, in verse ۴, seemed almost impossible to the disbelievers and the .hypocrites, but the promise of Allah is always fulfilled

(see commentary for verse ۵)

Through verse ۷ the Holy Prophet is asked to establish imamah or wilayah of Ali ibn abi Talib when he completes the duties of conveying the divine guidance to mankind, so as to continue it forever as stated in the commentary of verse ۵۱ of Qasas; also refer to the commentary of verses ۲ and ۳ of this surah and other references mentioned therein. In verse ۶۷ of Ma-idah Allah reminds the Holy Prophet: "Deliver what has been sent down to you from your Lord"; which in fact refers to this verse. Refer to the commentary of Ali Imran: ۵۲ and ۵۳; Ma-idah: ۶۷ and ۳ to understand the .true interpretation of this verse

:Aqa Mahdi Puya says

In the light of the meanings of surah ad Duha and al Inshirah no other translation or interpretation of verse ۷ seems appropriate except "So when you have completed (the duties of your ministry), then establish (your successorship)." In this early Makkan surah, after referring to the weighty task of conveying the last guidance from Allah to mankind, the Holy Prophet is asked to keep in mind the equally important task of establishing the institution of keeping alive the purity of the divine guidance (Islam) in all ages which will have to be carried out at the time and place chosen by Allah. The equally weighty or important task is the establishment, continuation

and perpetuation of the guidance of Allah (see commentary of Qasas: ۵۱, by nominating and appointing his successor who shall act as a guardian and exponent of all that he has conveyed and preached. In al Ma-idah, last revealed surah, verse ۶۷ was revealed in the closing days of his ministry, after execution of which its verse ۳ was revealed (see commentary of both verses). After completing the tasks of preaching and establishing his successorship he is given the option to return to his .Lord with satisfaction of having fulfilled the divine command

In verse ۸ Allah expresses His will that the Holy Prophet should return to his Lord after carrying out His commands. There is no mention of death. He is advised to desire, wish or incline (raghb) to turn to Allah at his own choice and pleasure. Departure from .this world was a willing return

(see commentary for verse ۷)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹